

نقش ضابطین دادگستری در جرائم مشهود با توجه به قانون آ.د.ک سابق و لاحق

مهرزاد رستمی، عباس حماد پور، سید کرامت حسینی

بازپرس شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب بوشهر

دادستان دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان دشتی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد بوشهر

مجله علمی تخصصی حقوق و علوم قضایی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۶ / ص ۱۰۰-۶۴

چکیده: در حقوق جزا جرائم به یک اعتبار به جرائم مشهود و جرائم غیر مشهود تقسیم می‌شوند. قوانین شکلی ایران در مورد جرائم مشهود، آئین رسیدگی سریع و با حداقل تشریفات دادرسی را پذیرفته‌اند و قوانین ماهوی نیز به تشدید مجازات و جرم انگاری خاص در مورد جرایمی که به نحو مشهود واقع می‌شوند پرداخته است. این مقاله یک پژوهش توصیفی تحلیلی است و به منظور بررسی نقش و وظایف ضابطین در جرائم مشهود با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد. به هرحال این مقاله اهداف بسیار متعددی را در حوزه‌های مختلف دنبال می‌کند. در این مقاله پس از بیان مفهوم و مبانی نظری ضابطین دادگستری و جرائم مشهود با استفاده از روش توصیفی با مطالعه راهکارهای پیرامون استفاده هرچه بیشتر از نقش و وظایف آن‌ها در جرائم مشهود مورد بررسی قرار گرفته است. با این وصف تا کنون تحقیق دقیقی در این مورد صورت نگرفته است. لذا با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان این گونه نتیجه گرفت در رویکرد آئین دادرسی کیفری، «تسهیل» و «تسریع» در تشریفات دادرسی و نحوه رسیدگی به این دسته از جرائم مورد توجه قرار گرفته، حال آنکه «توجه ماهوی به پاسخ‌های اجتماعی به جرم» خصیصه‌ی اساسی رویکرد فقهی است که در قالب «پاسخ‌های اجتماعی شدید و سختگیرانه» و «محرومیت از برخی حقوق اجتماعی» تجلی یافته است. اما وجه شبه ادبیات فقهی و حقوقی را می‌توان در اصل تأسیس نهاد «جرائم مشهود» به عنوان یک نهاد مستقل و ویژه دانست.

کلید واژه: جرم مشهود، جرم غیر مشهود، ضابطین دادگستری، بازداشت، تحت نظر

مقدمه

پیشینه تاریخی ملل مختلف وجود آثارپر بار حقوقی، کتیبه‌هایی معروف از قبیل کورش نامه قانون حمورایی، نامه تنسرو... دلالت بر حاکمیت قانون، وجود قاضی و تشکیلات سازمان انتظامی در ادوار مختلف تاریخ دارد. حتی اگر هیچ مدرکی درباره چنین سازمان‌هایی وجود نداشت، بایستی پذیرفت که سازمان‌های انتظامی ولو با شکل ابتدایی وجود داشته است، زیرا ساختار قضایی و سیستم دادرسی بدون وجود قانون و مقررات و مراجع اجراء و سازمان‌های اجرائی، انتظامی مفهوم ندارد. این

سازمان‌ها که از گذشته‌های دور در ایران مسئول برقراری نظم و آسایش عمومی و جلوگیری از وقوع جرائم در جامعه و نهایتاً در صورت وقوع جرم پیگیری، کشف جرم و دستگیری مرتکبین و تسلیم آن‌ها به دستگاه قضایی برای محاکمه و کیفر با نام‌های گوناگون وجود داشته‌اند، اما کمتر به آن‌ها پرداخته شده است.

به عقیده جامعه‌شناسان، جوامع بشری از آغاز تکوین تاحال مراحل مختلفی را گذرانده‌اند در طی این مدت یا به تکامل رسیده‌اند یا در میانه راه از پیشرفت بازمانده‌اند به این علت نتوانسته‌اند با ایجاد سازمان‌های متناسب انتظامی با سیر قهری و دگرگونی‌های اجتماعی، خود را حفظ کند به ناچار در طوفان‌ها و دگرگونی‌های تاریخی محو شدند. امنیت اجتماعی بخشی از مفهوم امنیت ملی است. امنیت ملی نتیجه وجود نظم اجتماعی است و این دومقوله لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه بدون نظم فاقد امنیت است و نبود امنیت حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی سازمان یافته، مقتدر و مسلط بر اوضاع است. تحقق امنیت ملی و نظم اجتماعی به هیچ وجه میسر نمی‌شود مگر آنکه افراد جامعه با آگاهی کامل از حدود آزادی‌ها و ممنوعیت‌های قانونی و میزان و نحوه اعمال مجازات‌ها برای رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و تضمین مصالح فردی و اجتماعی، سازمانی متشکل از

نیروی انسانی ورزیده و مجرب و آشنا به حقوق فرد و جامعه به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی پدیدآورده جامعه ای که فاقد نیروی کنترل کننده باشد طبعاً نمی‌تواند امنیت و آسایش شهروندان را پاسداری کند.^۱

اما علل پیدایش ضابطین دادگستری را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

۱- نظم اجتماعی اقتضا پیدا می‌کند که نیرویی برای کنترل آن وجود داشته باشد تنها قوه مقننه نیست که با وضع قوانین نظم اجتماعی را تأمین می‌کند بلکه قبل از وضع مقنن بایستی نیروی برای کنترل نظم وجود داشته باشد.

۲- ضابطین ابزاری جهت اجرای قانون هستند هرگاه نظم و امنیت جامعه به خطر افتد ابزاری لازم است که مجازات را اعمال کند و برای متجاوزین ضمانت اجراهای پیش بینی شده را اجرا کند.

پس در نتیجه دو دلیل مهم می‌توان برای علل پیدایش ضابطین آورد اول اینکه مردم را برای پیروی از قانون کنترل می‌کند ثانیاً اگر تخطی از قانون توسط افراد سر زد با اجرای قانون از کار مهاجم جلوگیری می‌کند.

در حقوق جزا جرائم با مبانی مختلف تقسیم‌بندی‌های مختلفی دارند. در یک نوع تقسیم‌بندی جرائم براساس عنصر مادی و به اعتبار لحظه مشاهده، به مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌گردند. از آنجایی که نظام حقوقی ایران از یک سو ریشه‌ای عمیق و مبنایی در فقه امامیه دارد و از سوی دیگر متأثر از نظام‌های حقوقی غربی است، مطالعات و پژوهش‌های حقوقی بدون شناخت عمیق این مبانی منجر به سقوط در دام انحرافات مثل التقاط خواهد شد. از جمله نهادهای حقوقی ایران که دارای چنین ریشه دوگانه‌ای است نهاد «جرائم مشهود» می‌باشد، که علاوه بر قانون آئین دادرسی کیفری که از منظر شکلی به این جرائم پرداخته است، در قانون مجازات اسلامی نیز برخی از انواع جرایمی که ماهیتاً مشهود می‌باشند، مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشتار نگارنده درصدد است ضمن تحلیل توأمان این جرائم در قوانین شکلی و ماهوی به ریشه‌یابی فقهی و تحلیل مبانی و آثار فقهی این نهاد به بررسی نقش و وظایف ضابطین دادگستری در جرائم مشهود با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ بپردازد. برای این که بتوان بهتر در این مورد نتیجه گرفت پس از مقدمات ابتدا نقش و وظایف این ضابطین را در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس در مورد همین مطلب

۱. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۱)، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

در قانون جدید آئین دادرسی کیفری بحث می‌کنیم تا در نهایت بتوانیم به این نتیجه برسیم که تغییرات حاصله در قانون جدید آئین دادرسی کیفری تحولی برای ارتقاء سطح عدالت کیفری محسوب می‌شود یا اینکه صرفاً یک تغییر می‌باشد.

مفاهیم

ضابط دادگستری

در ابتدا باید تعریفی از ضابطین دادگستری ارائه نمائیم و بگوئیم که چه کسانی هستند و سپس به وظایفشان بپردازیم. ضابط در لغت به معنای فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طریق سلطان بس باشد.^۲ ضابطین دادگستری بازویی اجرایی دادرسی و دادگاه‌ها در انجام وظایفشان هستند. قانون آئین دادرسی کیفری سابق ضابطین دادگستری را این طور تعریف کرده است که: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی در کشف جرم و بازجوئی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌نمایند»^۳. اما قانون جدید آئین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را این گونه تعریف نموده است: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند»^۴. ضابط دادگستری به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند که ذیلاً توضیح می‌دهیم: ضابطین عام ضابطینی هستند که در مورد کلیه جرائم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آن‌ها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست.^۵ در قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ در بند الف ماده ۲۹ ضابطین عام عبارت‌اند از: ضابطین عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوطه را دیده باشند. مطابق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، اهم وظایفی که نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه دارد عبارت‌اند از:

- مبارزه با مواد مخدر.
- مبارزه با قاچاق.
- مبارزه با منکرات و فساد.
- پیشگیری از وقوع جرائم.
- کشف جرائم.
- بازرسی و تحقیق.

۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۷، لغت نامه، جلد ۳۲، تهران، انتشارات سیروس. ص ۲

۳. ماده ۱۵ ق.آ.د.ک

۴. ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

۵. خالقی، علی، ۱۳۸۸، آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش. ص ۴۸.

- حفظ آثار و دلایل جرم.
- دستگیری متهمان و بزهکاران و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان.
- اجرا و ابلاغ احکام قضائی.

ضابطین خاص ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آن‌ها محدود به جرائم خاص یا شرایطی معین است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند. حال این سؤال به ذهن می‌آید که آیا ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطین عام در این حوزه را نفی یا محدود می‌کند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که ضابطین عام در همه حال ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و ضابطین خاص دخالت و اقدام ضابطین عام را محدود یا نفی نمی‌کنند.^۶

در ق. آ.د.ک ۱۲۹۰ ضابطین خاص بر شمرده نشده بودند و برای شناخت آن‌ها باید به قوانین خاص مراجعه می‌شد. در ق. آ.د.ک ۱۳۷۸، ماده ۱۵ سه دسته از ضابطین خاص را در بندهای ۲، ۳ و ۴ خود نام برده و در بند ۵ به قوانین خاصی که برخی مقامات و مأموران را در حدود وظایف خود را ضابط دادگستری شناخته، اشاره کرده است که انواع ضابطین خاص عبارت است از:

- ا. رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور ه
 - ب. مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه
- البته تذکر این نکته مفید به نظر می‌رسد که بر طبق ماده ۱ قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ و نظریه شماره ۱۳۸۰/۸/۲۱-۷/۷۹۷۹-۱۳۸۰، اداره حقوقی قوه قضائیه به نیروی مقاومت بسیج تنها در صورتی اجازه داده است که به عنوان ضابطین قوه قضائیه عمل نماید که اولاً جرم از جرائم مشهود باشد و ضابطین دیگر دادگستری حضور نداشته باشند ثانیاً ضابطین دیگر به موقع اقدام نمایند و یا به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش ضابطین دیگر به نیروی مقاومت بسیج نیاز داشته باشند و همچنین تبصره یک ماده یک آئین نامه اجرائی قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۲/۳/۳۰ فرمانده کل قوا، شرایطی برای ضابطان مزبور پیشبینی کرده است:

- «الف- گذراندن دوره آموزش لازم به تشخیص رده ذیربط بسیج،
- ب- دارا بودن سلامت جسمی در حد اجرای مأموریت‌های محوله و دارا بودن سلامت روانی،
- ج- مجوز مخصوص.»
- ج. نیروهای مسلح با تصویب شورای عالی امنیت ملی.^۷
- عبارت نیروهای مسلح در این بند به موجب ماده ۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ شامل ارتش، سپاه پاسداران، بسیج مستضعفان، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می‌باشند.^۸
- د. مقامات مأمورین به موجب قوانین خاص در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که ذیلاً به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. مأموران وصول عایدات و کشف، قاچاق (ماده ۱۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲).

۶. همان. ص ۴۹

۷. خالقی، علی، ۱۳۸۸، آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش. ص ۵۰.

۸. زراعت، عباس؛ مهاجری، علی (۱۳۷۸)، شرح قانون آیین دادرسی کیفری، کاشان: فیض. ص ۸۱

۲. فرمانده هواپیما نسبت به جرائم ارتكابی درون هواپیما (م ۳۲ قانون هواپیمائی كشوری مصوب ۱۳۲۸)
 ۳. مأموران جنگلبانی. (ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶)
 ۴. مأموران شكاربانی (ماده ۱۹ قانون شكار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶)
 ۵. مأموران سازمان بنادر و كشتیرانی (ماده ۱۲ قانون حفاظت دریا و رودخانههای مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴)
 ۶. مأموران شهرداری (ماده ۱۹ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹)
 ۷. مأموران سازمان آب و برق. (تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون سازمان آب و برق مصوب ۱۳۴۶)
 ۸. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (تبصره ماده ۵ اساسنامه سپاه پاسداران و ماده ۱۱ لایحه قانون تشکیل دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۴/۱۳)
 ۹. بازرسان مخصوص وزارت بهداری (ماده ۲۰ قانون اصلاح منع كشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸)
 ۱۰. مأموران گارد صنعت نفت (ماده ۷ قانون ایمنی راهها مصوب ۱۳۵۱)
 ۱۱. پلیس انتظامی راه آهن (ماده ۷ قانون ایمنی راههای مصوب ۱۳۴۹)
 ۱۲. مأموران سازمان حفاظت محیط زیست (ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۱۸)
 ۱۳. مأموران وزارت پست و تلفن و تلگراف (ماده ۱۵ قانون تأسیس شركت مخابرات ایران مصوب ۱۳۵۰)
- در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بند ب ماده ۲۹ ضابطین خاص چنین معرفی شده‌اند:
- «ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. به گزارش خبرگزاری تسنیم، در ادامه این ماده آمده است: همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.»

جرم مشهود

ذیلاً جرم مشهود را از نقطه نظرهای مختلفی مورد تعریف و بررسی قرار می‌دهیم:

تعریف لغوی جرم مشهود

کلمه مشهود در لغت به معنی چیزی است که قابل مشاهده باشد و بتوان آن را دید - در فرهنگ عمید درباره معنی این کلمه چنین آمده است: «مشهود به فتح میم و ضم هف حاضر شده؛ دیده شده، آنچه بر آن گواه شوند و به معنی روز جمعه و قیامت نیز گفته شده است»^۹.

فرهنگ ابجدی فارسی - عربی، «تَظَاهَرًا [ظهر]» و «تَجَاهَرًا [جهر] بالأمر» را به معنای تظاهر کردن و آشکار کردن آورده است. در قاموس قرآن «جهر» به معنی آشکار شدن و آشکار کردن آمده است، اعم از آن که به وسیله دیدن باشد یا شنیدن مثل

۹. عمید، حسن، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی عمید، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر. ذیل واژه

«يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا» (قرآن کریم، نحل، ۷۵) که به وسیله دیدن است و مثل «سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ» (قرآن کریم، رعد، ۱۰) که به وسیله شنیدن است. پس به این معنا «جهر» هم قولی است و هم فعلی^{۱۰}.

از سوی دیگر به نظر می آید، که جهر قولی، آشکار شدن معمولی نیست. بلکه شبیه به فریاد است. درباره دعوت حضرت نوح در قرآن آمده است: «ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهْرًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» (قرآن کریم، نوح، ۸-۱۰) مقابله «جهار» با «اعلان» در این آیه، مبین معنای «فریاد» بودن «جهار» است. یعنی آن‌ها را با صدای بلند و علنی و نیز به طور پنهانی دعوت کردم. و از کریمه «و لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ» (قرآن کریم، حجرات، ۲) نیز این معنی استفاده می شود و چون میان خود با صدای بلند سخن می گفتند، از این که با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آن طور سخن گویند، نهی شدند و اگر از این سخن تنزل کنیم باید بگوئیم، که «جهر» مطلق و به هریک از صدای بلند و صدای عادی شامل است و با موارد و قرائن می توان پی برد که آیا صدای بلند و فریاد مراد است؟ یا صدای عادی؛ مثلاً در آیه شریفه «سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ» (قرآن کریم، رعد، ۱۰) صدای عادی و در آیات فوق صدای بلند مراد است^{۱۱}.

در برخی از منابع نیز مراد از جهر، علنی کردن و اعلان دانسته شده و آن را مفهومی در مقابل «سر» به معنی پنهان کردن» معرفی کرده اند:

«جهر: أصل واحد و هو إعلان الشيء و كشفه و علوه، يقال جهرت بالكلام أعلنت به، و رجل جهير الصوت أي عاليه... و الجهر ضد السر...»^{۱۲}.

در برخی از آیات شریفه قرآن هم، جهر را در همین معنا به کار گرفته است:

«و لا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لا تُخَافِتُ بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»^{۱۳}.

«سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ»^{۱۴}

«وَ أَنْ تَجْهَرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَى»^{۱۵}

برخی از منابع نیز در تعریف «جهر» با به کار بردن جملاتی شبیه «ظهور الشيء بإفراط حاسة البصر أو حاسة السمع»، ملاک «ظهور» و آشکار بودن را در «قابلیت» دیده شدن آن شیء یا شنیده شدن آن صوت به صورت بارز و آشکار توسط انسان دانسته اند^{۱۶}.

در برخی از آیات شریفه نیز «جهر» به همین معنی آمده است: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (قرآن کریم، بقره، ۵۵) «أَرَأَى اللَّهَ جَهْرَةً»^{۱۷}

^{۱۰}. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۴)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه. ص ۷۹

^{۱۱}. همان. ص ۸۰

^{۱۲}. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، جلد دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۱۲۹

^{۱۳}. اسراء. آیه ۱۱۰

^{۱۴}. رعد، آیه ۱۰

^{۱۵}. طه، آیه ۷

^{۱۶}. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۳)، المفردات في غريب القرآن، تهران: مرتضوی. ص ۲۰۹

^{۱۷}. نساء، آیه ۱۵۳.

تعریف فقهی جرم مشهود

از آن جایی که چنین مفهومی در منابع اسلامی با لفظ مشهود، تعریف نشده و سابقه ندارد. لذا حسب اقتضاء مطالعات تطبیقی می‌بایست، مفهوم موردنظر را با لفظ «معادل» آن جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد، نزدیک‌ترین واژگان در منابع اصیل اسلامی که دلالت مفهومی بر معنای موردنظر، جرم مشهود، داشته باشند، به ترتیب عبارت‌اند، از: «تجاهر» و «تظاهر» به گناه و فسق می‌باشد که فرهنگ ابجدی آن‌ها را به معنای تظاهر کردن و آشکار کردن آورده است.

تعریف اصطلاحی جرم مشهود

علاوه بر آن‌چه در تعریف لغوی از مفهوم تجاهر به فسق بیان شد باید توجه داشت، که منظور از «تجاهر به قبیح» که در متون فقهی به آن اشاره شده است. یعنی تظاهر به فعلی که قبح آن نزد عموم مردم شناخته شده است و با این حال، فرد متجاهر از سر عصیان مرتکب آن می‌شود؛ لذا اگر مرتکب، تظاهر به عمل قبیحی کند که فساد آن را جز اندکی از مردم نمی‌شناسند متجاهر به حساب نمی‌آید و صرف عمل به فعل قبیحی که مردم به قبح آن مطلع‌اند نیز دال بر متجاهر به فسق بودن نیست، ولو آن‌که علناً واقع شده باشد چون ممکن است ارتکاب آن از سر عصیان نبوده باشد، بلکه مرتکب جهل به موضوع یا جهل به حکم داشته است.^{۱۸}

از سوی دیگر اگر شخص متظاهر احتمال دهد، که مردم از معصیت بودن عمل وی مطلع نباشند و به همین جهت عصیان کند و خودش معصیتش را علناً فاش نماید، چنان‌چه مردم جهل عاصی نسبت به موضوع یا حکم را محتمل بدانند در این صورت او متجاهر به فسق بماهو فسق نمی‌باشد، گرچه او متجاهر به امری است که فسق است، با این تفاوت که وصف قبح از آن پنهان شده است.^{۱۹}

حال، اگر مردم به فسق مرتکب آگاهی پیدا کنند و در حق عاصی هم احتمال جهل به موضوع یا حکم را ندهند، اما این آگاهی به صورت اتفاقی به‌وجود آمده باشد، مثل زمانی که عاصی به دنبال ارتکاب پنهانی عملی در اماکن عمومی باشد مثلاً ارتکاب فسق در خلوت شبانه یک پارک، نه از روی تجاهر عاصی؛ در این صورت مفهوم خاص «تجاهر به فسق» صدق نمی‌کند چرا که تجاهر آن است که عاصی معصیتی را علناً مرتکب شود و بداند که مردم نسبت به عاصی بودن وی به‌وسیله این عملش آگاهی دارند.^{۲۰}

همچنین برای تحقق حکم تجاهر لازم است، واقعاً مردم آگاه باشند و مجرد اعتقاد عاصی به این‌که مردم نسبت به معصیت او آگاهی دارند در حالی‌که مردم آگاه نباشند، کافی نیست. چرا که در این صورت «اعتقاد و علم» به تجاهر وجود دارد نه «حقیقت تجاهر» و اگر عاصی به علم مردم ادعای جهل کند و از نظر عرف هم این عدم علم وی محتمل باشد، این امر برای عدم صدق حکم «متجاهر» کافی است. متجاهر به فسق متجاهر به معصیت واقعی است، نه به آن‌چه که وی آن را معصیت بداند و یا این‌که آن‌را از روی برخی از جوانب علم اجمالی یا شبهات ابتدائی که واجب بود از روی احتیاط ترک نماید، مرتکب شود؛ گرچه به واسطه عدم احتیاط مرتکب حرام واقعی هم شود متجاهر به فسق نیست. پس برای صدق مفهوم «تجاهر به فسق» لازم است چند شرط محقق باشد:

^{۱۸}. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۳۳۴)، المکاسب، تبریز: اطلاعات، ص ۳۴۶

^{۱۹}. مجاهدطباطبایی، سیدمحمد (بی‌تا)، المناهل، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۳۵

^{۲۰}. همان.

اولاً متظاهراً واقع شده باشد (علنی باشد) ثانیاً مردم نوعاً به قبح آن عمل واقف باشند ثالثاً عمل قبیح عالماً عامداً (عصیاناً) واقع شده باشد رابعاً عمل ارتكابی فسق بین باشد^{۲۱}. حتی برخی از فقها بر این باورند، با وجود همه این شرایط اگر عاصی نزد کسانی تجاهر به فسق کرد، که آن‌ها از نزدیکان و رازدار وی می‌باشند. در این صورت او متجاهر به فسق نخواهد بود. «نعم لو تجاهر بذلك بین جماعة هم أصحاب سره و رفقائه فی العمل فإنه لا یعد متجاهراً بالفسق»^{۲۲}. ممکن است، فرض اخیر از این روی مصداق تجاهر به فسق نباشد، که رکن ارتکاب علنی در آن متزلزل است و تظاهر به ارتکاب گناه در جمع اصحاب سر را نمی‌توان مصداق ارتکاب علنی گناه دانست.

تعریف حقوقی جرم مشهود

در حقوق جزا جرائم به اقسام مختلفی تقسیم می‌شوند. مبنای هر یک از این تقسیمات متفاوت است. در یک نوع تقسیم‌بندی جرائم براساس عنصر مادی و به اعتبار لحظه مشاهده، جرائم به مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌گردند. پایه و مبنای جرم مشهود که طریق غیر عادی و فوق‌العاده رسیدگی است ضرورت، فوریت و سرعت می‌باشد و تشریفات با طبع جرم مشهود ناسازگار بوده و نقض غرض محسوب می‌شود.^{۲۳} در تعریف جرم مشهود بین حقوق‌دانان و اساتید حقوق جزا اختلاف نظر وجود دارد و به این ترتیب، تعاریف متعدد و گوناگونی از جرم مشهود به عمل آمده است. ذیلاً به چند مورد از این تعاریف اشاره می‌گردد:

- جرم مشهود جرمی است که در مرئی و منظر پلیس یا مردم واقع شود یا به منزله آن باشد^{۲۴}.
 - جرم مشهود جرمی است، که وقوع یا اثر آن مورد مشاهده ضابطان دادگستری قرار گیرد^{۲۵}.
- مراد از جرم مشهود جرمی است، که در زمان ارتکاب یا اندکی بعد از وقوع جرم می‌توان مرتکب آن را دست‌گیر و دلایل آن را جمع‌آوری کرد. مقصود از جرم غیرمشهود نیز جرمی است، که از زمان وقوع آن مدت نسبتاً زیادی گذشته است و متعاقباً مأمورین و اشخاص از وقوع آن مطلع شده‌اند^{۲۶}.
- جرم را مشهود گویند، هنگامی که در شرف وقوع بوده و یا زمان اندکی از وقوع آن گذشته باشد، چنان‌که آثار و ادله جرم، اثبات و انتساب آن را به فاعل ممکن نماید؛ در حالی که جرم غیرمشهود به جرایمی گفته می‌شود، که از زمان ارتکاب آن مدتی گذشته است و برای اثبات آن به شهود آنی دسترسی نیست^{۲۷}.
- جرم مشهود جرمی است، که مرتکب آن در حین ارتکاب یا بلافاصله پس از ارتکاب به‌طوری که دلایل ارتکاب از طرف دستگیر کننده قابل جمع‌آوری باشد، دستگیر شود. در غیراین صورت جرم را غیرمشهود نامند^{۲۸}.

۲۱. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی (بی‌تا)، حاشیه المکاسب، مشهد: آستان قدس رضوی. ص ۳۷

۲۲. موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۶ ق)، صراط النجاة، جلد لول، قم، دفتر نشر برگزیده. ص ۳۴۰

۲۳. انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی - مطالعه تطبیقی، تهران: انتشارات سمت. ص ۲۶۳

۲۴. انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۴)، کشف علمی جرائم، تهران: انتشارات سمت. ص ۳۵

۲۵. زراعت، عباس؛ مهاجری، علی (۱۳۷۸)، شرح قانون آیین دادرسی کیفری، کاشان: فیض. ص ۹۹

۲۶. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۲)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات خورشید. ص ۲۴۰

۲۷. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان. ص ۲۷۹

جرم مشهود به عمل مجرمانه‌ای گفته می‌شود، که اندکی پس از زمان وقوع کشف شود و آثار و علائم جرم هم قابل رویت و بازرسی باشند. جرم غیرمشهود نیز جرمی است که مدت زمانی از ارتکاب آن می‌گذرد و دلایل و مدارک ارتکاب آن در محل وقوع به دست نیاید.^{۲۹}

جرم مشهود جرمی است، که مرتکب در حین ارتکاب غافل‌گیر شده و دلایل جرم هم مشهود باشد. در صورتی که جرم غیرمشهود جرمی است، که مدت زمانی از ارتکاب آن گذشته و به دست آوردن دلایل آن غیر ممکن و یا غیرمسلّم است.^{۳۰} جرم مشهود جرمی است، که مرتکب در حین ارتکاب جرم غافل‌گیر شده و یا در زمانی نزدیک به زمان ارتکاب جرم دستگیر شود، ولی جرم غیرمشهود جرمی است، که مدت زمانی از ارتکاب آن گذشته و دلایل ارتکاب نیز بعدها جمع‌آوری شوند.^{۳۱}

در حقوق جزای اسلامی، جرم را هنگامی جرم مشهود گویند که مجرم در حال تلبّس به جرم و در موقع ارتکاب مشاهده شود؛ به گونه‌ای که مردم و گواهان با چشم خود عملیات بزهکارانه و مجرمانه او را مشاهده کرده باشند و آنچه را که به رأی العین دیده‌اند، بتوانند نزد قاضی و حاکم شهادت دهند، در غیر اینصورت، حتی اگر اندکی پس از وقوع جرم، در صحنه ارتکاب حاضر شوند و آثار و نشانه‌های جرم را مشاهده کنند و ببینند کسانی متهم را دنبال کرده و او یا به فرار گذاشته است، این امر جرم را ثابت نمی‌کند و شهادتی این چنین از نظر قانون شرع برای اثبات جرم مفید فایده نخواهد بود، این موضوع را می‌توان در شمار جرائم غیر مشهود دانست. در حالیکه جرم مشهود در اصطلاح حقوق جزای عمومی، به جرمی گفته می‌شود که در حال ارتکاب، یا اندکی پس از زمان ارتکاب مشاهده و کشف شود و آثار و علائم جرم نیز قابل دیدن باشد.

جرم مشهود در قانون آئین دادرسی کیفری

در بیان مصادیق جرائم مشهود در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری سابق مصوب سال ۱۳۷۸ آمده است:

ماده ۲۱- جرم در موارد زیر مشهود محسوب می‌شود:

۱. جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مأمورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.
۲. در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.
۳. بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.
۴. در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.

^{۲۸}. باهری، محمد (۱۳۸۲)، تقریرات حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام، ص ۲۴۰

^{۲۹}. صانعی، پرویز (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، ص ۳۸۷

^{۳۰}. شامبیانی، هوشنگ (۱۳۸۰)، حقوق جزای عمومی، تهران: انته

^{۳۱}. افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات فردوسی، ص ۱۵۱

۵. در مواردی که صاحب خانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا نماید، وقتی که متهم ولگرد باشد

در بند ۱ این ماده «مرئی» و «منظر» بر وزن مفعول، اسم مکان در زبان عربی است که در این جا به معنای «در برابر چشمان، در نظرگاه، در معرض دید، تماشاگاه» می‌باشد.^{۳۲} می‌توان گفت این بند به آن دسته از جرایمی اشاره دارد، که در فقه نیز مصداق تجاهر و ارتکاب علنی معرفی گشته‌اند.

اما همان گونه که به سهولت از دیگر بندهای این ماده می‌توان فهمید، قانون، برخی از انواع جرائم را که ذاتاً مشهود نیستند، اما تحت شرایط خاصی ارتکاب یافته‌اند، مشهود محسوب نموده است به گونه‌ای که می‌توان حالاتی را تصور نمود که جرم متظاهراً واقع نشده و اتفاقاً مجرم سعی در ارتکاب پنهانی جرم نیز داشته است، اما به موجب این ماده قانونی عمل ارتكابی وی جرم مشهود محسوب می‌گردد.

عده‌ای از حقوق دانان معتقدند جرم مشهود همان گونه که از نامش پیداست جرمی است، که وقوع یا اثر آن مورد مشاهده ضابطان دادگستری قرار گیرد و این خصوصیت تنها در بندهای اول تا چهارم وجود دارد، اما سایر موارد، چنین خصوصیتی ندارند و معلوم نیست چرا قانون‌گذار چنین جرایمی را در عداد جرائم مشهود قرار داده است.^{۳۳}

حتی برخی از اساتید، چنین چیزی را خلاف اصول جزایی دانسته‌اند. عده دیگری از حقوق دانان نیز اعتقاد دارند، در واقع همان جرایمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری صورت گرفته باشند، مشهود بوده و بقیه موارد «نزدیک به مشهود» یا «در حکم مشهود» می‌باشند. به عبارت دیگر با مواردی که از جرم مشهود در قانون نام برده شده است، نمی‌توان تعریف جامعی از جرم مشهود به دست آورد، زیرا دامنه وسیعی را در برمی‌گیرد. بنابراین جرم مشهود به مفهوم واقعی همان موردی است که در مرئی و منظر مأمورین یا قاضی یا تعدادی ناظر صورت پذیرد و بلافاصله اعلام کنند و بقیه موارد «قریب به مشهود» هستند.^{۳۴}

در قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جرم مشهود این گونه بیان شده است:

«جرم در موارد زیر مشهود است:

الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب - بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث- جرم در منزل یا محل سکونای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکونای خود درخواست کند.

^{۳۲}. آخوندی، محمود (۱۳۸۲)، آئین دادرسی کیفری کاربردی، جلد پنجم، تهران: نشر میزان. ص ۳۵

^{۳۳}. زراعت و مهاجرانی، منبع پیشین، ص ۹۹

^{۳۴}. مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۸۷)، آئین دادرسی کیفری، تهران: پایدار. صص ۱۴۲-۱۴۰

ج - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.^{۳۵}

به هر حال آنچه مسلم می‌باشد، این است که در قانون آیین دادرسی کیفری ایران اصطلاح «مشهود» گسترده‌تر از معنی لغوی آن به کار رفته و شامل موارد گسترده‌ای می‌گردد. برخی از اساتید حقوق نیز جرم مشهود را به دو قسم تقسیم کرده‌اند. به نظر این گروه، از توجه به طرز انشاء قانون معلوم می‌شود که مقنن ایران معتقد به دو قسم جرم مشهود است. جرم مشهود واقعی یا موضوعی جرمی است، که عمل مجرمانه در حضور مأمور کشف جرم و یا در حضور یک دسته یا جماعت واقع می‌شود، یا بلافاصله پس از وقوع، خود مجرم مورد مشاهده مأمور قرار می‌گیرد یا آثار گرم جرم مورد ملاحظه واقع می‌شود. این قسم جرم مشهود مبتنی بر شهادت مأمور دولت یا شهادت عینی اشخاص عادی است.^{۳۶} اما جرم مشهود فرضی یا حکمی، عملی است، که در حقیقت مشهود نیست ولی قانون‌گذار به علت وضعیت خاص وقوع، آن را مشهود تلقی می‌کند. احراز جرم در این قبیل موارد به کمک ادله یا قرائن مادی یا براهین عقلی که امکان انتساب عمل مجرمانه به شخص معین را متصور می‌سازد، صورت می‌گیرد. این قبیل موارد عبارت‌اند از:

وقتی که بلافاصله پس از وقوع جرم، بزه‌دیده شخص یا اشخاصی را مرتکب معرفی کند، پیدا شدن علائم و آثار واضحه جرم یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم و در زمانی نزدیک به وقوع، احراز تعلق اسباب و دلایل جرم به متهم، قرینه فرار، ولگرد بودن متهم و درخواست صاحب‌خانه به عنوان مثال در بند آخر که به ولگرد بودن متهم اشاره می‌کند، اساساً ملاک مشهود بودن جرم مهم نیست، بلکه حکم ماده دائر مدار متهم است. ماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی سابق، ولگرد را چنین تعریف کرده بود: «کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی‌قیدی و تنبلی درصدد تهیه کار برای خود بر نمی‌آیند، ولگرد محسوب می‌شوند». قانون جدید آیین دادرسی کیفری هم ولگرد را کسی می‌داند «که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد». لذا از آن جایی که قانون تعریف مشخص جامع و مانعی از جرائم مشهود ارائه نکرده و صرفاً به بیان مصادیق این جرائم اکتفاء نموده و با توجه به تعریفی که پیش از این از تجاهر به فسق بیان شد می‌توان گفت که علی‌رغم این که نزدیک‌ترین مفهوم فقهی به این نهاد حقوقی در حقوق ایران همان مفهوم «تجاهر به فسق» است، اما نمی‌توان مدعی شد، که تطابق مفهومی کاملی بین آن‌ها وجود دارد بلکه اگر رابطه بین این دو مفهوم را یک رابطه منطقی «عام و خاص مطلق» بدانیم، باید گفت که مواردی وجود دارند که هم مصداق جرم مشهود و هم مصداق تجاهر به فسق هستند مثل ارتکاب عمل منافی عفت در اماکن عمومی؛ در عین حال برخی از اعمال هستند، که صرفاً مصداق جرم مشهود می‌باشند در حالی که مشمول تعریف فقهی از تجاهر نمی‌توانند قرار بگیرند. به عنوان مثال جرمی که به صورت مخفیانه توسط یک ولگرد واقع می‌شود.^{۳۷}

از توجه به طرز انشاء ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و ماده ۴۵ قانون جدید آیین دادرسی کیفری معلوم می‌گردد که قانونگذار معتقد به دو قسم جرم مشهود است.

الف (جرم مشهود واقعی (موضوعی) ب (جرم مشهود فرضی (حکمی)

^{۳۵}. ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

^{۳۶}. انصاری، ۱۳۸۰، پیشین، ص ۳۶۱

^{۳۷}. مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری، تهران: پایدار. ص ۱۴۶

جرم مشهود واقعی (موضوعی)

جرم مشهود واقعی یا موضوعی جرمی است که عمل مجرمانه در حضور ضابطین دادگستری یا بلافاصله پس از وقوع، خود جرم یا آثار جرم مورد مشاهده مأمورین یاد شده واقع می‌شود؛ بدین ترتیب از بین مصادیق جرم مشهود که در ماده ۴۵ آ.د.ک جدید درج گردیده است، موارد ذیل به عنوان جرم مشهود واقعی یا موضوعی محسوب می‌گردد:

- ۱ - جرم در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده باشد.
 - ۲ - بلافاصله پس از وقوع جرم، خود جرم مورد مشاهده مأمور قرار گیرد.
 - ۳ - بلافاصله پس از وقوع جرم، آثار جرم مورد مشاهده مأمور کشف جرم قرار گیرد.^{۳۸}
- حال در باب مثال موارد فوق لازم است به موارد ذیل اشاره کنیم
- مثال (۱): در خیابان درگیری و نزاع صورت می‌گیرد و مأمور می‌بیند که فرضاً آقای 'الف' با چاقو به آقای 'ب' حمله کرده و به او ضربه ای می‌زند، در این صورت جرم مشهود و واقعی صورت گرفته است چون جرم در دید مأمورین اتفاق افتاده است.
- مثال (۲): اینکه در نزاعی که بین آقای 'الف' و آقای 'ب' در گرفته است بعد از نزاع، مأموران می‌رسند و می‌بینند که آقای 'الف' چاقویی در دست دارد که خونی است و آقای 'ب' هم چاقو خورده و محل زخم در حال خونریزی است و بی حال یا بیهوش افتاده است در این جا آثار وقوع جرم مثل زخمی بودن آقای 'ب' و علائم آن مانند وجود چاقوی خونی در دست آقای 'الف' دلیل وقوع جرم است که چون مأموران آن را مشاهده نموده‌اند، جرم مشهود واقعی به شمار می‌آید.

جرم مشهود فرضی (حکمی)

جرم مشهود فرضی یا حکمی جرمی است که عمل مجرمانه حقیقتاً مشهود نیست ولی قانونگذار به علت وضعیت خاص وقوع، آن‌ها را مشهود تلقی می‌نماید، احراز در این قبیل موارد به کمک ادله، قوانین مادی یا براهین عقلی که امکانات انتساب عمل مجرمانه به شخص معین را متصور می‌سازد، صورت می‌گیرد.

بادقت در تعریف جرم مشهود فرضی، از بین مصادیق جرم، که در ماده ۴۵ آ.د.ک جدید درج گردیده است موارد زیر را می‌توان به عنوان جرم مشهود فرضی محسوب کرد:

- ۱ - در صورتی که جرم در مرئی و منظر دو نفر یا بیشتر (اشخاص عادی) واقع شده باشد.
- ۲ - بلافاصله پس از وقوع جرم، مجنی علیه شخص معینی را مرتکب معرفی نماید. در این حالت که بلافاصله پس از وقوع جرم مجنی علیه به مأموران شخص معینی را به عنوان مرتکب جرم معرفی می‌کند، برای مأمور نباید هیچگونه ابهام و تردیدی وجود داشته باشد و مأمور کشف جرم تا مادامی که بطور قطع و یقین از وقوع جرم اطلاع حاصل نکرده باشد، حق ندارد به عنوان جرم مشهود اقدام به دستگیری فرد معرفی شده بنماید و صرف معرفی شاکی، دلیل بر واقعیت وقوع جرم و کافی برای دستگیری توسط مأمور نیست؛ به عنوان مثال؛ اگر شاکی برای فریب مأمور، اظهار کند که همین الان این جرم واقع شده است، ولیکن مأمور در مراجعه به محل حضور شخص معرفی شده (متهم) به استناد دلایل و قراین متوجه گردد که جرم چندین ساعت قبل و یا یک روز قبل واقع شده است، در این حالت حق ندارد به عنوان مصداق جرم مشهود، اقدام به دستگیری متهم،

^{۳۸} ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸

بدون هماهنگی و اطلاع مقام قضایی بنماید، البته در صورتی که متهم با رضایت خود در آزادی کامل در معیت مأمور جهت انجام تحقیقات و معرفی به مرجع قضایی اعزام شود، ظاهراً به نظر می‌رسد که قانوناً ملغی وجود نداشته باشد.^{۳۹}

۳ - یافت شدن علایم و آثار واضحه جرم یا اسباب و دلایل جرم در تصرف، در موقعی نزدیک به زمان وقوع جرم: در صورتی که در زمان نزدیکی پس از وقوع جرم، علایم و آثار واضحه جرم مانند آثار انگشتان، خون ریخته شده مجنی علیه در صحنه جرم یا روی بدن و یا خودروی متهم و ... به طریقی که قابلیت ارتباط با یکدیگر داشته باشد، یافت شود و یا اینکه وسایل، آلات و ادوات مورد استفاده در ارتکاب جرم از قبیل چاقو، تیز بر، اسلحه، چماق، شاه کلید و ... که مرتبط با عمل مجرمانه می‌باشد و تعلق این اسباب و دلایل جرم به متهم احراز می‌شود، کشف گردد، در اینگونه مواقع در صورت احراز شدن مأمور کشف جرائم مبنی بر اینکه عمل مجرمانه با چنین کیفیتی واقع گردیده است و هیچ شبهه ای در واقعیت وقوع جرم و ارتباط اثر و علامت یا اسباب دلیل جرم با جرم واقع شده و تصرف این آثار و علامت و اسباب به وسیله متهم، وجود نداشته باشد، مورد از مصادیق دستگیری خواهد بود.^{۴۰}

۴ - در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیری شود: همان طور که ملاحظه می‌گردد در این مورد، مرحله فرار به سه قسم قابل تقسیم بندی می‌باشد:

الف) در حالتی است که متهم از حالت عادی خارج شده و با حالات و رفتار غیر عادی خود، نشان می‌دهد که قصد فرار دارد. در صورتی که مأمور کشف جرم چنین حالتی را احراز نماید، می‌تواند فرد مذکور را دستگیر نماید.

ب) در حالتی است که متهم بطور واقعی فرار را شروع کرده است که در این صورت جزء مصادیق جرم مشهود محسوب می‌گردد و مأمور حاضر در صحنه حق دستگیری متهم را دارد.

ج) در حالتی است که فرار متهم پایان یافته باشد و متهم فوراً پس از فرار دستگیر شود، که این حالت نیز جزء مصادیق جرم مشهود محسوب می‌گردد.

۵ - وقتی که متهم ولگرد باشد؛ در چنین وضعیتی، در صورتی که مأمور کشف جرم، وقوع جرم را احراز تأیید و همچنین به ولگرد بودن متهم مبنی بر اینکه اقامتگاه، کار و وسیله زندگی معلوم و معین ندارد، علم حاصل گردد و بالاخره اینکه بین ولگرد بودن متهم با عمل مجرمانه ارتباطی وجود داشته باشد، که در این صورت جزء مصادیق جرم مشهود محسوب شده و مأمور کشف جرائم حق دستگیری وی را دارد.

۶ - در خواست صاحبخانه: در صورتی که صاحبخانه (یا مستأجر) به خاطر اینکه در داخل خانه جرمی در شرف وقوع یا در حین وقوع یا واقع شده است (خواه مجنی علیه خود صاحبخانه باشد یا دیگری) از ماموران کشف جرائم، تقاضای ورود به منزل را نماید، در این صورت از مصادیق جرم مشهود بوده ماموران می‌توانند با اجازه صاحبخانه و با رعایت موازین شرعی و قانونی برای احراز وقوع جرم، جمع آوری دلایل جرم و دستگیری متهمان اعم از روز و یا شب وارد منزل شوند.^{۴۱}

۳۹. بهرامی، محمد، ۱۳۹۰، رسیدگی‌های کیفری، چاپ اول، تهران، نشر صدف. ص ۷۷

۴۰. بهرامی، محمد، ۱۳۹۰، رسیدگی‌های کیفری، چاپ اول، تهران، نشر صدف. ص ۷۸

۴۱. بهرامی، محمد، ۱۳۹۰، رسیدگی‌های کیفری، چاپ اول، تهران، نشر صدف. ص ۷۹

مشخصات و ویژگیهای خاص جرائم مشهود

جرم مشهود دارای ویژگی و مشخصه‌هایی است که آن‌ها را از جرائم غیر مشهود تفکیک می‌کند که عمده آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- از آنجایی که جرائم مشهود در منظر و دید عموم واقع می‌شوند جمع آوری ادله و رسیدگی به آن‌ها به مراتب آسان تر از جرائم غیر مشهود است.
- ۲- به دلیل وجود دلایل انتصاب جرم به مجرم و وجود آلات و ادوات مربوطه در صحنه جرم، موجب تسریع در رسیدگی شده و اشتباه قضایی در آن کمتر است.
- ۳- از آنجایی که جرم مشهود است، لذا مأمورین کشف جرم وظایف بیشتری در مورد حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم به عهده دارند، و نیازی به داشتن حکم قضایی نیست.
- ۴- در جرائم مشهود نیازی به اقدام برای کشف نیست یعنی فاقد مرحله کشف می‌باشند زیرا افرادی دیده‌اند و بلافاصله اعلام کرده‌اند یا جرم در منظر ضابطین اتفاق افتاده یا متهم در حال فرار را دستگیر کرده‌اند، لذا جرم کشف شده تلقی می‌گردد.
- ۵- در جرائم مشهود دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم بعمل می‌آورد در حالی که در جرائم غیر مشهود دادستان حق ندارد تحقیق بپردازد و مکلف است که این وظیفه را به بازپرس یا دادیار محول کند.

مبانی نظری تحقیق

ویژگی‌های اصول دادرسی

اصول جمع اصل است و در لغت به معنای ریشه‌ها، پایه‌ها، بنیادها و قواعد و قوانین می‌باشد.^{۴۲} در اصطلاح علمی، در علم اصول فقه و منابع حقوقی، معانی مختلفی برای اصل ذکر شده است که از بین آن‌ها، به فراخور موضوع بحث، می‌توان این تعریف را برگزید:

«اصل به معنای قاعده می‌باشد. یعنی پایه ای که چیزی روی آن قرار می‌گیرد.»^{۴۳}

و مقصود از اصول دادرسی، بنیان‌ها و نهادهای اساسی است که در هر نظام حقوقی بر مقررات حاکمیت دارد و مواد قانونی منبث از آن اصول هستند.^{۴۴}

به تعبیر دیگر، اصول دادرسی بسان پایه‌ها و ستونهای مستحکم ساختمان عظیم آیین دادرسی هستند که در زیر انبوهی از تزئینات گچ و شیشه و کاشی که همانا مقررات تشریفاتی و غیر تشریفاتی می‌باشند، پنهان شده‌اند و دادرس باید با باری کبینی، وجود آن‌ها را در لابه لای مواد قانونی لمس کند و در برپایی یک دادرسی منصفانه مورد توجه قرار دهد.

۴۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش. ذیل واژه. مشیری، مهشید، ۱۳۶۹، فرهنگ زبان الفبایی - قیاسی، چاپ اول، تهران، سروش.. دهخدا، ۱۳۸۱، لغت نامه، جلد ۱۰، تهران، نشر پایدار. ذیل واژه.. ایمان، عباس، ۱۳۸۲، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات آریان. ذیل واژه.

۴۳. فیض، علیرضا، ۱۳۶۶، مبادی فقه و اصول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. ص ۱۵

۴۴. مهاجری، علی، ۱۳۷۷، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان، ص ۳۸.

در هیچ یک از قوانین، معیاری برای تمییز اصول از مقررات دیده نمی‌شود و مرز مشخصی میان این دو ترسیم نگردیده است. لذا ناگزیر هستیم دست به دامان اوصاف اصول دادرسی شویم و از این رهگذر حساب آن را از مقررات تشریفاتی و غیر تشریفاتی جدا نماییم.

با در نظر گرفتن موادی از قانون آیین دادرسی مدنی و قوانینی غیر آن، و با توجه به تعاریفی که از اصول دادرسی در آثار اساتید حقوق دیده می‌شود، می‌توان اوصاف و خصوصیات زیر را برای اصول دادرسی ذکر کرد.

کلی بودن: اصول دادرسی، نمودار مفاهیم کلی عدالت در حل و فصل دعاوی می‌باشند. که قانون گذار با مبنا قرار دادن این قواعد کلی، ابواب، فصول یا موادی از قانون آیین دادرسی مدنی را وضع کرده است. لذا در موارد سکوت، ابهام و اجمال، می‌توان با تفسیر بر اساس این اصول کلی در هماهنگی استنباط‌ها و تقریب رویه‌های متفاوت، به نحو مؤثر عمل کرد.^{۴۵}

عام الشمول بودن: چتر اصول دادرسی، تمام رسیدگی‌ها اعم از قضایی و غیر قضایی را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال، مفهوم ماده‌ی ۴۷۷ داوران را مکلف به رعایت اصول دادرسی می‌کند. طبق این ماده، آنان از قید و بند مقررات آیین دادرسی، اعم از تشریفاتی و غیر تشریفاتی معاف هستند. از بعد دیگر قضیه، خصلت عام الشمول بودن اصول، در عرصه‌ی بین المللی نیز خود را نشان داده است و به دلیل اشتراکاتی که کشورهای مختلف در استفاده از این اصول دارند، مؤسسات فراوانی اقدام به تدوین اصول و قواعد دادرسی فراملی نموده‌اند.^{۴۶}

الزامی بودن: هدف از پیدایش اصول، برپایی دادرسی منصفانه است. رسیدن به این هدف، جز با آمره دانستن رعایت اصول دادرسی امکان پذیر نیست. قانون گذار ایران، در مواردی رعایت تشریفات را لازم ندانسته، اما همواره اجرای دقیق اصول دادرسی را مد نظر داشته و ضمانت اجرای سنگین برای عدم رعایت آن‌ها پی شیبینی کرده است. برخی کشورها پا را فراتر گذاشته و بعضی اصول دادرسی را در ارتباط با حقوق طبیعی معرفی کرده‌اند.^{۴۷}

ثابت بودن: بر خلاف مقررات تشریفاتی و غیر تشریفاتی که در مقابل تکمیل و توسعه‌ی اصول تغییر می‌پذیرند. اصول دادرسی، مفاهیمی ثابت و غیر قابل تغییرند. به واسطه‌ی همین استحکام و پایداری، زادگاه اصلی اصول در قوانین کشور ما، قانون اساسی است.^{۴۸}

تا اینجا با ویژگی‌های اصول دادرسی آشنا شدید و در ادامه تلاش می‌کنیم تا مهم‌ترین اصول حاکم بر دادرسی‌ها را بیان نمائیم و سپس وارد بحث اصلی این پژوهش شویم که در دو فصل آتی بتوانیم مطالب را به طور کامل و نظام مند خدمت شما ارائه دهیم.

اصل قانونی بودن دادرسی

همه فرآیند دادرسی کیفی و کلیه اقدامات در این حوزه تحت حکومت قانون صورت می‌پذیرد. از آنجا که در فرآیند دادرسی کیفی، حریم خصوصی و حقوق و آزادی‌های فردی در معرض صدمه قرار دارند، حکومت قانون از اهمیت ویژه‌ای

^{۴۵} وکیلان، محمدرضا، ۱۳۸۶، تقریرات درس آیین دادرسی کاربردی در امور مدنی، تهران، اداره‌ی کل آموزش قضات قوه قضاییه. ص ۸

^{۴۶} میرسعیدی، منصور، ۱۳۸۳، آئین دادرسی کیفی، جلد اول، چاپ اول، نشر میزان. ص ۹۲. غمامی، مجید و محسنی، حسن، ۱۳۸۶، اصول آیین

دادرسی فراملی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان،

^{۴۷} شمس، عبدالله، ۱۳۸۵، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات دراک. ص ۱۳۰

^{۴۸} مهاجرانی، پیشین، ص ۳۱.

برخوردار می‌باشد. در سایه این اصل، اصل بر ممنوعیت و محدودیت اختیارات مقامات و مراجع قضایی در تعقیب و محاکمه افراد و اعمال سازوکارهای تحقیقی است مگر آنچه به موجب قانون تجویز و مقرر شده باشد. مستندات اصل قانونی بودن دادرسی کیفری را در فصل سوم قانون اساسی خصوصاً اصول ۳۶ و ۳۸ - ۱۵۶ بند ۱، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۲ قانون جدید آئین دادرسی کیفری ملاحظه می‌کنیم.

اصل قانونی بودن در مقررات دادرسی کیفری دارای آثاری متفاوت از حاکمیت این اصل در حوزه مقررات ماهوی جزایی است. در مقررات شکلی جزایی امکان تفسیر موسع قوانین و حتی توسل به قیاس برای خروج از شک و اجمال و سکوت ممکن خواهد بود و در عین حال قوانین جدید فوراً به اجرا در می‌آیند و اصطلاحاً عطف بماسبق می‌شوند؛ مگر آنکه به حقوق مکتسبه اشخاص آسیب برساند؛ بعلاوه قوانین جدید شکلی اقدامات تحقیقی را که به استناد قوانین قبلی به درستی انجام گرفته است از اعتبار ساقط نمی‌کند.^{۴۹}

امکان تفسیر موسع در مقررات شکلی است که استناد به قوانین دادرسی مدنی را در زمان اجرای دادرسی کیفری میسر می‌دارد. البته باید خاطر نشان کرد که دادرسی در روزگاران پیشین به جزایی و حقوقی تقسیم نمی‌شده است و ترتیبات رسیدگی یکسان بوده است؛ در واقع تغییر عمده در مقررات دادرسی کیفری و دگرگونی فضای آن از زمان پیدایش مفهوم دعوی عمومی حادث شده است. به این دو علت است که هرگاه مقررات دادرسی کیفری در خصوص موردی مقرر شده باشد و قانون آیین دادرسی مدنی دارای مقررات عامی بود که اختصاص به دادرسی مدنی نداشته باشد و منافاتی نیز با روح مقررات دادرسی کیفری نداشته باشد می‌توان به مقررات دادرسی مدنی مراجعه نمود.

اصل برائت

اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مفید این معنا هستند که. فرض بر بی گناهی اشخاص است و مجرم بودن ایشان باید طبق مقررات در مراجع صالح اثبات شود.

«ماده ۴- اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

اصل برائت، بر حق دفاع متهم و آزادی‌های اشخاص در فرایند دادرسی دارای آثاری است. آثار اصل برائت بر حق دفاع متهم: مقام تعقیب مکلف به جمع آوری و ارائه ادله اثبات اتهام است، در این مسیر، اجبار به اقرار و توسل به شکنجه برای رسیدن به ادله اثباتی ممنوع و چنین دلیلی فاقد ارزش اثباتی خواهد بود. ۲ اگر نوبت به تفسیر مقررات رسید، تفسیر باید به نفع متهم صورت گیرد. داشتن پیشینه کیفری نباید دلیل مجرمیت افراد تلقی شود و حتی سابقه داران باید به نحو برابر از امتیازات اصل برائت بهره مند باشند. آثار اصل برائت ناظر به آزادی متهم: بازداشت موقت متهم باید کاملاً استثنایی تلقی شود و بهتر است از قرارهای جایگزین استفاده گردد؛ در صورتی که به ناچار قرار بازداشت متهمی صادر شد باید این قرار، کنترل پذیر و قابل اعتراض باشد؛ و در مدت بازداشت باید شخص تحت بازداشت امکان ارتباط با خارج زندان داشته باشد لذا افراد

^{۴۹}. محسنی، مرتضی، ۱۳۵۳، تاریخ تحولات حقوق کیفری، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران. ص ۱۲.

تحت بازداشت باید به صورت کاملاً استثنایی ممنوع الملاقات گردند؛ و در نهایت چنانچه بعد از مدتی بی گناهی فرد تحت بازداشت محرز شد باید از او جبران خسارت گردد.^{۵۰}

مواد ۵ و ۶ و ۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری از آثار اصل برائت سخن می گویند.

اصل علنی بودن جلسات رسیدگی

این اصل از مهم‌ترین اصول دادرسی به شمار می‌آید. اهمیت آن از این جهت است که رعایت آن تأثیر به‌سزایی در شفافیت جلسات جدال طرفین مخاصمه دارد و قاضی را از گزند تهمت‌های ناروا دور نگاه می‌دارد. اصل ۱۶۵ قانون اساسی در این خصوص مقرر می‌دارد: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلا مانع است، مگر آن که...». در ماده‌ی ۳۵۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری جدید به این اصل اشاره شده است، اما جای خالی آن در خلال مواد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی احساس می‌گردد. در عین حال، با توجه به پی‌شبینی حق دادرسی در قانون اساسی و با وحدت ملاک از ماده‌ی ۳۵۲ قانون جدید، می‌توان رعایت آن را در رسیدگی‌های غیر کیفری نیز تجویز کرد.^{۵۱}

تفاوت تحقیقات مقدماتی در جرائم مشهود و غیرمشهود

در ابتدای مباحث این فصل و قبل از ورود به بحث اصلی بهتر دیدیم تفاوت‌های موجود در تحقیقات مقدماتی جرائم مشهود و غیر مشهود را بیان نمائیم و سپس با این ذهنیت وارد بحث اصلی شویم، که ذیل در این قسمت به این مطلب می‌پردازیم.

در جرائم مشهود، نظر به این که ضابطان دادگستری موظف به انجام اقدامات و تحقیقات فوری هستند، اختیارات بیشتری به آنان واگذار شده که همین امر مبنای تفاوت جرم مشهود و غیرمشهود است. بنابراین تفاوت تحقیقات مقدماتی در جرائم مشهود و غیرمشهود در این است که در جرائم مشهود ضابطان به لحاظ قدرت و اختیار بیشتر در موضوع، تحقیقات مقدماتی را رأساً انجام می‌دهند. به طور مثال، از شهودی که وقوع جرم را دیده‌اند یا همسایگانی که سروصدای جرم را شنیده‌اند یا عابری که در فاصله کوتاهی متوجه فرار متهم شده‌اند تحقیق کرده و چوب یا چاقو یا آچار یا سنگ یا سلاح یا هر شی دیگری که وسیله ارتکاب جرم بوده است جمع‌آوری می‌کنند و کروکی صحنه وقوع جرم را ترسیم می‌کنند. همچنین اشیایی را که از متهم یا مجنی‌علیه در محل وقوع جرم ریخته است در صورت مجلس ذکر و از شاکی و متهم تحقیق می‌کنند و اجازه تماس متهم را با افرادی که احتمال تبانی وی با آنها وجود دارد نمی‌دهند. نهایتاً نیز پرونده مقدماتی تشکیل می‌شود را به همراه گزارشی از اقدامات انجام شده (با متهم) نزد مقام قضایی صالح ارسال می‌کنند. انجام تحقیقات مقدماتی در جرائم مشهود در صورت وجود متهم نمی‌تواند زیاد به طول انجامد به طوری که حداکثر مدت آن ۲۴ ساعت است.^{۵۲}

اما در جرم غیرمشهود در مرحله تحقیقات مقدماتی دو حالت پیش می‌آید:

^{۵۰} محسنی، مرتضی، ۱۳۵۳، تاریخ تحولات حقوق کیفری، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران. ص ۱۳.

^{۵۱} محسنی، مرتضی، ۱۳۵۳، تاریخ تحولات حقوق کیفری، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران. ص ۱۴.

^{۵۲} آشوری، محمد، ۱۳۸۴، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم، ص ۱۴۵.

حالت اول: ضابطان فقط از وقوع جرم اطلاع یافته‌اند، ولی صحنه جرمی در اختیار نبوده است و دلایلی در دسترس نیست؛ همچنین ضابطان اجازه ورود به منزل برای تفتیش ندارند و متهم و مظنون نیز در کار نیست و اگر هم از افرادی نام برده شده است، هنوز دلیلی علیه آن‌ها وجود ندارد (البته به شرطی که اطلاع دریافتی مأموران از منبع مؤثق باشد). در چنین حالتی ضابطان باید مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام قضایی صالح اعلام کنند. مقام قضایی صالح در صورتی که جرم در حوزه قضایی او واقع شده یا امکان جمع‌آوری دلایل یا حتی قسمتی از دلایل موجود باشد، دستور تحقیقات مقدماتی را صادر کرده و عندالاقضاء تعلیمات لازم را در خصوص مورد بیان می‌کند.^{۵۳}

حالت دوم: علائم و امارات وقوع جرم مشکوک است و اطلاعات ضابطان نیز از منبع مؤثق نباشد و صرفاً شایعاتی وجود دارد. در این حالت ضابطان قبل از اطلاع به مقام قضایی، باید تحقیقات لازم را انجام دهند (بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل شخصی را دارا باشند). با انجام تحقیقات لازم، اطلاعات دریافت شده ضابطان توأم با دلیل و قرینه شده و تقویت می‌شود و در این صورت به مقام قضایی صالح گزارش داده می‌شود.^{۵۴}

بنابراین در تفاوت جرائم مشهود و غیرمشهود از حیث تحقیقات مقدماتی، می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

ضابطان دادگستری در جرائم غیرمشهود به محض اطلاع از وقوع جرم مکلف هستند موضوع را فوراً به مقام ذی‌صلاح قضایی اطلاع دهند و تا اخذ دستور منتظر بمانند، لیکن در جرائم مشهود برای پرهیز از تطویل تحقیقات موظفند اقدامات لازم را برای حفظ آثار و ادله جرم و بازداشت متهم معمول داشته و نتیجه را پس از آن به اطلاع مقام قضایی برسانند.^{۵۵} در واقع، چنانچه بازداشت متهم در جرائم مشهود برای مدتی کوتاه و با هدف تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان مجازند حداکثر تا ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر نگه دارند. البته بازداشت متهم زائد بر ۲۴ ساعت، بدون این که از سوی مقام قضایی قرار بازداشت او صادر شده باشد، فاقد مجوز قانونی است و ضابطی که پس از گذشت مدت ۲۴ ساعت، متهم را در اختیار مقامات قضایی قرار ندهد، خود را در معرض مجازات مندرج در قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۷۰) قرار می‌دهد.^{۵۶}

اما از جمله اختیارات دیگر ضابطان دادگستری در جرائم مشهود، ورود به منازل و اماکن مسکونی برای تفتیش و ضبط اشیاء و به طور کلی هر گونه اقدامی است که برای جمع‌آوری ادله جرم و حفظ آن مناسب است.^{۵۷} به عبارت دیگر در جرائم مشهود، ضابطان باید اقدامات و تحقیقاتی را که فوریت دارد به عمل آورند و در این راستا و در صورت لزوم می‌توانند نسبت به ورود و تفتیش منازل، اماکن و اشخاص و نیز جلب اشخاص، حتی بدون اجازه مقام قضایی و به طور کلی نسبت به جمع‌آوری دلایل اقدام کنند و پس از حضور مقام قضایی (که موظفند در اسرع وقت وقوع جرم را به اطلاع او برسانند) تحقیقات انجام شده را تسلیم او کنند. با ورود مقام قضایی به صحنه جرم، ضابطان دیگر حق مداخله ندارند مگر این که انجام تحقیقات تکمیلی یا مأموریت جدیدی به آنان محول شود که در این صورت نیز باید با رعایت دقیق مقررات قانونی اقدام کنند. اما در جرائم غیرمشهود، ضابطان دادگستری فقط با اجازه مخصوص مقام قضایی حق ورود به منازل اشخاص و تفتیش آن را در موارد

^{۵۳}. مدنی، سیدجلال‌الدین: مأخذ پیشین، ص ۱۴۵.

^{۵۴}. همان، ص ۱۴۶ - ۱۴۵.

^{۵۵}. اردبیلی، محمدعلی: مأخذ پیشین، ص ۲۸۰.

^{۵۶}. آشوری، محمد: مأخذ پیشین، ص ۱۴۵.

^{۵۷}. اردبیلی، محمدعلی: مأخذ پیشین، ص ۲۸۰.

ظن خواهند داشت.^{۵۸} علاوه بر موارد فوق، در جرائم مشهود دادستان (درسازمان قضایی نیروهای مسلح) اختیار تصدی تحقیقات را پیش از حضور و مداخله بازپرس دارد، در حالی که در جرائم غیرمشهود دادستان حق ندارد به تحقیق بپردازد و مکلف است این وظیفه را به بازپرس بسپارد.^{۵۹}

حال که با این دو وضعیت در تحقیقات مقدماتی آشنا شدیم وارد بحث اصلی در مورد نقش و وظایف ضابطین دادگستری در جرائم مشهود می‌شویم

ظابطین دادگستری

ماده ۲۸ آیین دادرسی کیفری

ظابطین دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ اثار و علایم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

در واقع ضابطان دادگستری بازوان اجرایی مقامات قضایی هستند.^{۶۰}

ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری

ضابطان دادگستری عبارت‌اند از:

الف: ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که که آموزش مربوط را

دیده باشند

بی شک تأمین امنیت واستقرار عدالت بر حسن اجرای قوانین و جلوگیری از ایجاد هرج و مرج و تضمین حقوق و آزادی های افراد نیازمند موجودیت نیرویی است که مجری اوامر و فرآمین قضایی باشد براین مبنا این نیرو بایستی توسط قانون تعیین و معرفی شود. مادام که قانون کسی را به عنوان ضابط تعیین نکرده و او را به رسمیت نشناخته نمی‌توان او را ضابط دانست و وظایف و تکالیفی را برای وی ملحوظ داشت. قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص طبقه بندی ضابطین این چنین عمل کرده است که به شرح آن می‌پردازیم:

آن دسته از ضابطین که وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارند کلی و عام است و شرایط خاصی برای دخل و تصرف در جرایم برای آنان وجود ندارد یابه عبارت دیگر ضابطین عام ضابطینی هستند که در مورد کلیه جرائم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آن‌ها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست قانون در تعریف ضابطین ساکت است اما دکتر آخوندی در این باره می‌نویسد ضابطین عام افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرائم را دارند مگر آنچه که قانون منع کرده است. بند الف ماده ق.آ.د.ک فرماندهان و افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی را یکی از ضابطین دادگستری اعلام می‌کند (کارکنان وظیفه ضابطین دادگستری محسوب نمی‌شوند) اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است ضابطان دادگستری بر اساس تکالیف و اختیاراتی که دارند باید آموزش‌های لازم در این زمینه را طی کرده باشد و قانون با پیش بینی این موضوع قلمرو ضابطان عام رابه کارکنان آموزش

^{۵۸}. آشوری، محمد: مأخذ پیشین، ص ۱۴۵.

^{۵۹}. اردبیلی، محمدعلی: مأخذ پیشین، ص ۲۸۰.

^{۶۰}. خالقی، علی، ۱۳۹۴، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ۴، نشر پژوهش‌های حقوقی

دیده نیروی انتظامی محدود کرده است و از این رو به نقدی که در باره شناسایی کلیه کارکنان نیروی انتظامی به عنوان ضابط وارد شده است پاسخ گفته است.

ب: ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند، از قبیل روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول می‌شود. ضابط محسوب می‌شود.

تبصره- کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست. ضابطین خاص ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آن‌ها محدود به جرائم خاص یا شرایطی معین است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند. حال این سؤال به ذهن می‌آید که آیا ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطین عام در این حوزه را نفی یا محدود می‌کند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که ضابطین عام در همه حال ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و ضابطین خاص دخالت و اقدام ضابطین عام را محدود یا نفی نمی‌کنند. طبق بند ب ماده ۲۹ ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند از قبیل روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت اطلاعات و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود ضابط محسوب می‌شوند.

۱- روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان

اصولاً ضابطین عام در زندان‌ها حضور ندارند و ماموران زندان، کارکنان سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی کشور هستند، نه ماموران نیروی انتظامی. به همین جهت قانونگذار برای حفظ آثار و دلایل جرم در صورت ارتکاب در محیط زندان یا انجام تحقیقات مورد نظر بازپرس در خصوص این جرائم، روسای زندان‌ها و معاونان آن‌ها را در مورد جرایم زندانیان به عنوان ضابط شناخته است.

۲- مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران

در تاریخ ۷۱/۱۰/۱ همزمان با هفته بسیج، قانون حمایت قضایی از بسیج تصویب و در ماده ۱ آن اعلام شد: «به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود همانند ضابطین قوه قضائیه، هنگام برخورد با جرائم مشهود در صورت عدم حضور ضابطین دیگر و یا عدم اقدام به موقع آن‌ها و یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و یا ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم به عمل آورند». با توجه به تبصره ۳ همین ماده که می‌افزاید: «نیروی مقاومت بسیج سپاه، وظیفه فوق را از طریق افرادی که آموزش‌های لازم را در این زمینه فرا گرفته و مجوز مخصوص را از نیروی مزبور دریافت نموده باشند اجراء خواهد کرد.»^{۶۱}

۳- نیروهای مسلح با تصویب شورای عالی امنیت ملی

اصولاً نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه وظیفه حفاظت از کشور در برابر تجاوز بیگانه را بر عهده دارند و وظایف انتظامی و تأمین نظم و امنیت در شهرها بر عهده نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام قرار دارد. در عین حال ضرورت تقویت نیروی انتظامی در انجام وظایف خود، قانونگذار را بر آن داشته است که از نیروهای مسلح نیز به عنوان ضابط دادگستری کمک بگیرد و تشخیص موارد ضرر. رت این امر را نیز بر عهده شورای عالی امنیت ملی قرار دهد.

۴- سایر ماموران به موجب قوانین خاص

بند ۵ ماده ۱۵ ق. آ. د. ک مقرر می‌دارد: «مقامات و مامورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند»، به این افراد اشاره می‌کند که ذیلاً به چند نمونه اشاره می‌شود:

ماموران وضول عایدات و کشف قاچاق

فرمانده هواپیما

ماموران جنگلبانی

ماموران شکاربانی

ماموران سازمان بنادر و کشتیرانی

اعضای سپاه پاسداران

ضابطان خاص به شرح مذکور در بند «ب» فوق حصری نبوده و شامل موارد دیگری نیز می‌شود، به طور مثال: فرمانده هواپیما (ماده ۲ قانون هواپیمایی کشور مصوب ۱۳۲۸)، فرمانده کشتی (ماده ۸۵ مکرر ۶ از قانون دریایی ایران اصلاحی ۱۳۹۱) ماموران حفاظت سازمان گمرک (ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲) و.....^{۶۲}

نقش ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید تغییرات نسبتاً زیادی نسبت به قانون قدیم به چشم می‌خورد. قانون آیین دادرسی کیفری جدید برای تدوین آن از قانون آیین دادرسی فرانسه استفاده شده است. نتایج بدست می‌آید بیانگر این می‌باشد که بر خلاف قانون قدیم دیگر هرنیروی صالح برای مقام ضابط قضایی نمی‌باشد بلکه بایستی نیروهایی را ضابط قلمداد کرد که آموزش‌های لازم را دیده باشند همچنین در قانون جدید تبیین حدود اختیارات ضابطان در جرائم مشهود، اعتبار اقدامات ضابطان در این جرائم پس از حضور مقام قضایی، تفکیک وظایف اداری از وظایف قضایی ضابطان، ضمانت اجرای عدم یادآوری حقوق متهمان یا مظنونان از جمله مواردی است که تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری بدان پرداخته‌اند.^{۶۳}

۶۲. خالقی، علی، ۱۳۹۴، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ۴، نشر پژوهش‌های حقوقی

۶۳. سهراب بیگ، محمد، ۱۳۹۴، نقش ضابطین دادگستری در حفظ حقوق شهروندی، محل انتشار: همایش ملی نظارت قضایی و حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران

وظایف ضابطین در جرائم مشهود

همانطور که گفته شد در جرائم مشهود جرم سریعاً و بدون تشریفات پیگیری و رسیدگی می‌گردد لذا اقدامات خاصی از سوی مأمورین نیروی انتظامی (ضابطان دادگستری) صورت می‌گیرد که عبارتند از:

- ۱- اعلام در اسرع وقت به مقام قضایی
 - ۲- انجام معاینات محلی (بررسی صحنه جرم)
 - ۳- استماع گواهی مطلعین در محل (تحقیقات محلی) یا در اداره (بازجویی از شهود)
 - ۴- بازرسی‌ها (بازرسی بدنی، وسایل نقلیه و منزل با رعایت شرایط قانونی)
 - ۵- ضبط و توقیف دلایل
 - ۶- دستگیری و بازداشت حداکثر ۲۴ ساعته متهمان
 - ۷- بازجویی از متهمان
 - ۸- جلوگیری از امحاء دلایل
 - ۹- اعلام جنایات و جرائم در اسرع وقت به مرجع قضایی
- در ادامه به چند مورد از موارد بالا که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند خواهیم پرداخت:

اعلام در اسرع وقت به مقام قضایی

یکی دیگر از طرقی که دادستان به وسیله آن از وقوع جرم در حوزه قضایی خود مطلع و مکلف به تعقیب آن می‌شود، گزارشی است که توسط ضابطین دادگستری به او داده می‌شود.^{۶۴} در جرائم مشهود، ضابطین دادگستری مکلف‌اند پس از اطلاع از وقوع جرم آن را به دادسرا گزارش نمایند. اما قبل از این اقدام باید یک سری اقداماتی را انجام دهد که در قسمت‌های بعد به این موارد می‌پردازیم.

انجام معاینات محلی (بررسی صحنه جرم)

اگر نتوانیم بازدید کامل و دقیق از محل کشف جرم و صحنه جرم را مهم‌ترین جنبه در تحقیقات راجع به جنایات واقع شده محسوب کنیم، باید آن را به عنوان یکی از اساسی‌ترین و حساس‌ترین قسمت‌های تحقیقات بشناسیم. صاحب نظران بر این عقیده هستند که با حضور در صحنه و بازرسی آن چیزی را از دست نمی‌دهیم. اگر ده‌ها صحنه را بازدید و همه را عادی اعلام کنیم و رسماً به این نتیجه برسیم که جنایتی واقع نشده است بهتر از آن است که یک مورد از موارد مشکوک را از دست بدهیم و دیگر امکان بازگشت به آن برای گردآوری دلایل وجود نداشته باشد. در واقع صحنه جرم سرچشمه حقایق و اطلاعات مربوط به جرم و مجرم است و ابتدای جاده‌ای است که به مخفی‌گاه مجرم منتهی می‌گردد و با توجه به اهمیت و نقش مؤثر دلایل مادی (فیزیکی) موجود در صحنه جرم برای اثبات وقوع جرم، شناسایی مرتکب آن و همچنین عدم امکان رد و یا انکار این قبیل دلایل توسط مرتکب جرم، حفظ و بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری مدارک و دلایل مذکور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ایجاب می‌نماید افرادی که به مناسبت وظیفه‌ای که بر عهده دارند به نحوی با بررسی صحنه جرم و جمع

^{۶۴} خالقی، علی، ۱۳۸۸، آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش. ص ۴۷

آوری دلایل و مدارک جرم سرو کار پیدا می‌کنند، در این زمینه آموزش و تجارب لازم و کافی را کسب نمایند. می‌توان گفت امروزه معاینه محل و بررسی صحنه در جنایات باید به عنوان یک تخصص علمی و آزمایشگاهی مطرح گردد. حضور در صحنه جرم، ثبت، ضبط و شناخت پدیده‌های مجرمانه و حفظ آثار و دلایل مادی جرم نه فقط سرعت، دقت و رسیدگی به امور کیفری را افزایش می‌دهد، بلکه از بروز اشتباهات قضایی جلوگیری می‌نماید و مراجع قضایی را به عنوان یک پشتوانه محکم و استوار در اذهان عمومی تثبیت می‌کند. بارها این اتفاق افتاده است که اولین کسانی که از صحنه جرم بازدید کرده‌اند به اشتباه جریانی را قتل عمد دانسته‌اند در صورتی که با حضور مسئولان و کارشناسان فنی در صحنه ثابت شده که موضوع، یک مرگ عادی بیش نیست. اهمیت حضور سریع در صحنه جرم و حفظ آن، باید همواره مورد نظر قرار گیرد^{۶۵}.

همانگونه که بیان شد بررسی صحنه جرم از اهمیت خاصی برخوردار است که در جرائم مشهود بر اساس ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ باید ضابطین این اقدام را انجام دهند که در این ماده چنین آمده است:

«ماده ۴۲ - ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضایی اعلام می‌کنند و در خصوص جرائم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع دادستان می‌رسانند.»

اقداماتی که معمولاً در بررسی صحنه جرم باید صورت گیرد به شرح زیر است:

۱. ثبت اطلاعات
۲. زمان خبر دادن و اطلاع از وقوع جرم، زمان حرکت به سمت محل جرم و زمان رسیدن به آن
۳. وضعیت عمومی و کلی صحنه جرم، شرایط جوی.
۴. تعیین جنسیت و هویت جسد تا حد امکان، بررسی وضعیت قرار گیری جسد، شرایط کلی جسد، معاینه اولیه جسد و تعیین زمان سپری از مرگ.
۵. بررسی مقدماتی نحوه حدوث مرگ و برآورد اولیه علت مرگ.
۶. وضعیت نور و روشنایی محل، افرادی که در صحنه حضور دارند و هر موضوع یا نکته ای که در ارتباط با وقوع جرم بوده اهمیت باشد.
۷. عکسبرداری از صحنه جرم

ضمن رعایت نکات فنی عکسبرداری و انتخاب زوایای مناسب به نکات ذیل نیز باید توجه داشت:

گرفتن عکس از درب ورودی یا محل قرار گیری آن، راهرو و یا هال و منظره کلی و عمومی صحنه جرم. در بعضی مواقع نیاز است که از صحنه جرم در جهت گردش عقربه ساعت و از جزئیات صحنه عکس گرفت، به نحوی که در عکس هر قطعه قسمت کمی از قطعه قبل نیز گرفته شود. در این صورت چنانچه تمام عکس‌ها را به ترتیب کنار هم قرار دهیم تجسم کاملی از صحنه جرم خواهیم داشت، بدیهی است اگر صحنه جرم وسیع باشد ابتدا آن را به چند منطقه کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم و سپس در هر یک از مناطق تقسیم شده مطابق روش گفته شده عمل می‌کنیم. در صورت وجود امکانات می‌توان علاوه بر عکسبرداری از صحنه جرم، فیلمبرداری نیز به عمل آورد.

^{۶۵} انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی - مطالعه تطبیقی، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۵۵

۸. تهیه کروکی از صحنه جرم
در بعضی جرائم نظیر قتل و تصادفات رانندگی و حریق‌های مهم ایجاب می‌کند که برای مشخص نمودن فواصل و اندازه‌های واقعی و همچنین تجسم فاصله دقیق دلایل جرم نسبت به نقاط ثابت، علاوه بر عکسبرداری از صحنه جرم، کروکی نیز تهیه شود. نکاتی که در تهیه کروکی صحنه جرم باید رعایت گردد:
۹. مشخص نمودن جهت‌های اصلی (شمال، جنوب، شرق و غرب). مشخص شود.
۱۰. تمام اندازه‌ها با یک مقیاس معینی رسم شود.
۱۱. فواصل دلایل و مدارک جرم نسبت به نقاط ثابت و غیر قابل تغییر، اندازه گیری و مشخص شود.
۱۲. از گنجانیدن اشیاء و مواردی که با وقوع جرم ارتباطی ندارند در کروکی خودداری گردد.
۱۳. تاریخ، محل و مقیاس کروکی زیر آن قید گردد.^{۶۶}

حفظ صحنه جرم و جلوگیری از امحاء دلایل

اقداماتی که در این مورد باید صورت پذیرد به شرح ذیل است:

اولین اقدامی که بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرائم نظیر قتل، سرقت، حریق عمدی و سایر موارد باید صورت گیرد، حفظ صحنه جرم است و از آنجایی که در کشور ما اولین افرادی که از جریان وقوع مرگ‌های مشکوک و سایر جرائم مشهود مطلع می‌شوند مأموران نیروی انتظامی هستند، بنابراین حفاظت از صحنه جرم بر عهده آنان می‌باشد.^{۶۷}

ابتدا می‌بایست محدوده صحنه جرم مشخص گردد و از آن حفاظت به عمل آید. بهتر است تا حد امکان محدوده وسیعی را انتخاب نمود و در صورت لزوم آن را محدود و کوچک‌تر کرد. این امر نیز به شرایطی از قبیل محدودیت‌های طبیعی بستگی دارد.^{۶۸}

در صورت حفظ صحنه، کارشناس بررسی صحنه جرم و عکاس جنایی می‌توانند صحنه جرم را به همان صورت و وضعیتی که هنگام وقوع جرم و یا لاقلاً هنگام مطلع شدن داشته است، مشاهده و بررسی کرده و از آن یادداشت، عکس و کروکی تهیه و دلایل را جمع آوری نمایند.^{۶۹}

جهت حفظ صحنه، به جلوگیری از تردد و دخالت افراد غیر مجاز در صحنه جرم نیاز می‌باشد زیرا این افراد ندانسته باعث به هم خوردن صحنه جرم، جابجایی و از بین رفتن تمام یا قسمتی از آثار و مدارک جرم می‌شوند.^{۷۰}

جلوگیری از ورود احتمالی مجرم و یا ایادی او به صحنه جرم برای از بین بردن عمدی دلایل و مدارکی که منجر به شناسایی مجرم خواهد شد.^{۷۱}

^{۶۶} معینی، رضا، ۱۳۸۸، پزشکی قانونی: براساس کتاب دکتر فرامرز گودرزی، دکتر مهرزاد کیانی، تهران، انتشارات سیمیا، ص ۲۴۴.

^{۶۷} منبع قبل، ص ۲۴۵

^{۶۸} همان.

^{۶۹} همان.

^{۷۰} همان، ص ۲۴۶

^{۷۱} همان.

جلوگیر از نشر بی موقع اخبار و اطلاعات مربوط به وقوع جرم و اقدامات انجام شده و در نتیجه سلب امکان سوء استفاده اشخاص غیر مجاز از مطالب مذکور^{۷۲}.

انجام وظیفه در رابطه با تأمین حفاظت جان اشخاصی که در صحنه‌های آتش سوزی و صحنه‌های جرمی که احتمالاً اسلحه ای آماده شلیک یا ماده منفجره ای در معرض انفجار باشد^{۷۳}.

زیر نظر گرفتن افراد مظنون و کسانی که به نحوی سعی در نزدیک شدن به محل وقوع جرم را دارند و ممکن است با جرم و مجرم مرتبط باشند، یا اطلاعاتی در این زمینه داشته باشند و در صورت لزوم دستگیری آنان جهت تحقیقات^{۷۴}.

حفظ صحنه و آثار و دلایل جرم برای کشف جرم و حمایت از بزه دیده فوق العاده مهم است. بر اساس مصاحبه‌هایی که با ۱۲۶ نفر از کارشناسان انتظامی (به ویژه افسران آگاهی) داشته‌ایم، حفظ صحنه جرم یکی از اقدامات مهم پلیس در کشف جرم و دستگیری متهمان عنوان شده است. اقدامات صحیح و به موقع پلیس در حفظ صحنه جرم و آثار و دلایل آن می‌تواند تأثیر فراوانی در کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، حمایت از بزه دیده و استیفای حقوق بزه دیده بر جای بگذارد و به عکس، اقدامات نادرست می‌تواند آسیب دیدگی بزه دیده را تشدید کرده و وضعیت او را بدتر کند.^{۷۵}

معمولاً در جرائم مشهود، جرم کشف شده و لازم است کلیه دلایل و مدارک و آلات و ادوات جرم به صورت صحیح جمع آوری شده و مراتب دقیقاً در صورت مجلس قید شود. همچنین هر اقدام ضروری دیگری که ممکن است در دادرسی و محاکمه مفید واقع شود، باید توسط پلیس انجام گیرد^{۷۶}.

اما در جرائم غیرمشهود، اقدامات پلیس به دستور مقام قضایی محدود است. در این نوع جرائم، پلیس باید بر حسب دستور مقام قضایی، اقدامات خود را انجام دهد. این در حالی است که مقام قضایی گاهی صلاح می‌داند که خود تمامی اقدامات مربوط به تحقیق و جمع آوری دلایل و مدارک را انجام دهد یا فقط بخشی از آن را به پلیس واگذار کند^{۷۷}.

به منظور سرعت بخشیدن به حضور پلیس در صحنه جرم، برخی از کارشناسان انتظامی و بزه دیدگان (در مصاحبه‌هایی که با آنان داشته‌ایم) پیشنهاد کرده‌اند که در صورت امکان، اولین مأمورانی که به صحنه جرم اعزام می‌شوند، به جای خودرو از موتورسیکلت استفاده کنند تا در شهرهای بزرگ در شلوغی خیابان‌ها گرفتار نشوند. اخیراً در تهران نیز بسیاری از مأموران پلیس ۱۱۰ که مجهز به وسایل و تجهیزات پلیسی هم هستند، با موتورسیکلت به صحنه جرم اعزام می‌شوند^{۷۸}.

حضور گشت‌های گسترده پلیس در مناطق مختلف شهرها، به ویژه در مناطق جرم خیز نیز در کم کردن فاصله زمانی برای حضور در صحنه جرم‌هایی که در نزدیکی محل گشت آن‌ها واقع می‌شود، تأثیر خوبی دارد. وجود این گشتهای انتظامی نه تنها احتمال برخورد با صحنه جرم‌های در حال وقوع و در نتیجه دخالت به موقع پلیس را افزایش می‌دهد، بلکه احتمال دستگیری مجرمان را نیز قبل از این که موفق به فرار شوند، افزایش می‌دهد^{۷۹}.

^{۷۲}. همان. ص ۲۴۷

^{۷۳}. همان.

^{۷۴}. همان. ص ۲۴۸

^{۷۵}. آشوری، محمد، ۱۳۷۶، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش. ص ۳۵۵

^{۷۶}. همان.

^{۷۷}. همان. ص ۳۵۶

^{۷۸}. همان. ص ۳۵۶

^{۷۹}. همان. ص ۳۵۷

از طرف دیگر به منظور انجام سریع و به موقع اقدامات لازم در صحنه جرم (به ویژه در جرائم مهمی مثل قتل) برخی کارشناسان انتظامی پیشنهاد داده‌اند که تیم‌های مشترک متشکل از پلیس، مقام قضایی، اورژانس و پزشکی قانونی از قبل سازمان دهی شده و در نقاط مختلف شهرها مستقر شوند و به صورت گروهی و تیم مشترک به صحنه جرم اعزام شوند.^{۸۰} به هر حال حفظ صحنه و آثار و دلایل جرم شامل حفظ صحنه، معاینه محل، ضبط آلات و ادوات جرم و حفظ آثار و دلایل جرم است که به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حفظ صحنه و معاینه محل

صحنه جرم محلی است که مجرم اقدامات خلاف قانون خود را برای ارتکاب جرم در آنجا انجام می‌دهد. صحنه جرم گاهی چندان وسیع نیست و در محوطه ای محدود مانند یک اتاق است و زمانی وسیع و گسترده مانند یک خیابان یا یک میدان است. گاهی جرم در محلی واقع شده و جسد مجنی علیه به محل دیگری منتقل می‌شود.^{۸۱} گاهی اوقات جرم در محل‌های مختلف انجام می‌گیرد؛ مثلاً در محلی نزاع و درگیری شروع شده و به نقطه دیگری کشیده می‌شود و سرانجام در محل دیگر قتل به وقوع می‌پیوندد. در چنین مواردی در تمامی محل‌هایی که درگیری انجام شده، باید معاینه محلی صورت گیرد.^{۸۲}

در بررسی صحنه جرم، مأموران نیروی انتظامی زمان محدودی در اختیار دارند، بنابراین سریعاً باید اقدام کنند و از طرفی اعاده وضع سابق بعد از برهم زدن صحنه جرم معروف است، «قاعده یا قانون طلایی» امکانپذیر نیست. بنابراین از این زمان محدود که به باید در جهت حمایت از بزه دیده و کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، حداکثر استفاده را کرده و معاینه محلی را به خوبی و با دقت کافی انجام داد.^{۸۳}

یکی از مهم‌ترین اقدامات پلیس در بدو ورود به صحنه ارتکاب جرم که نقش بسیار مهمی در کاهش آسیب‌های بزه دیده دارد، پی‌گیری امداد و نجات و درمان بزه دیدگان صدمه دیده است. نجات جان مصدومان بر هر امر دیگر تقدم دارد. به ویژه از منظر اقدامات پلیسی، حتی اگر بین اقدامات لازم برای درمان بزه دیده (به ویژه برای حفظ جان او) و حفظ آثار و ادله جرم تعارضی باشد، نجات جان و درمان بزه دیده بر حفظ آثار و ادله جرم تقدم و برتری دارد و مأموران پلیس باید به دنبال نجات جان و یا درمان بزه دیده مصدوم باشند.

اهداف حفظ صحنه جرم عبارت‌اند از:

۱. کارشناسان بتوانند دلایل جرم را جمع آوری کنند؛
۲. از دخالت افراد غیر جلوگیری شده و افراد مظنون و مشکوک زیر نظر قرار گیرند؛
۳. از نشر بی‌موقع اخبار جلوگیری شود؛
۴. از ورود احتمالی مجرم و ایادی او به صحنه جرم جلوگیری شود؛
۵. از دستبرد و سوءاستفاده اشخاص غیر جلوگیری شود؛

^{۸۰}. همان

^{۸۱}. اعتمادی خیابوی، علی؛ حکیمی نژاد، امرالله، ۱۳۸۸، دادسرا در سامانه حقوقی کنونی با نگاهی کاربردی، چاپ اول، تهران، نشر عصر اندیشه. ص ۲۸۹

^{۸۲}. همان.

^{۸۳}. همان.

۶. جان اشخاصی که در صحنه گرفتار شده‌اند، نجات داده شود^{۸۴}.

معاینه محل عبارت است از مشاهده و بررسی صحنه جرم توسط مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و اهل خبره به منظور جمع آوری آلات، ادوات و دلایل جرم. معاینه محل ممکن است در مرحله تحقیقات مقدماتی به وسیله مقام قضایی یا به نمایندگی از سوی او به وسیله ضابطان دادگستری یا اهل خبره انجام گیرد و یا در مرحله دادرسی ضرورت پیدا کند و از طرف دادگاه به عمل آید. البته بهتر است معاینه محل در مرحله تحقیقات مقدماتی به عمل آید تا بتوان آثار جرم را به موقع در محل، مشاهده و ضبط کرد. در کشف علمی جرائم و شناسایی و دستگیری مجرمان، معاینه و بررسی صحنه جرم اهمیت و نقش بسیار ارزشمندی دارد. به عقیده صاحب نظران، کلید معمای حل مشکلات در صحنه جرم نهفته است و اگر به طور علمی و دقیق بررسی شود، پلیس را به مخفیگاه متهم هدایت خواهد کرد؛ زیرا مجرم برای انجام رفتار مجرمانه وارد صحنه جرم می‌شود و بر آن تأثیر گذاشته و از آن متأثر می‌شود؛ به طور مثال، هنگام ورود به محل در را باز می‌کند، از ابزار و آلاتی برای ارتکاب جرم استفاده می‌کند و یا با مجنی علیه درگیر می‌شود و برای ارتکاب جرم از وسایل موجود استفاده می‌کند^{۸۵}.

در گذشته‌های نه چندان دور، بهره برداری از این آثار امکانپذیر نبود، ولی امروزه با پیشرفت علم و فناوری که همچنان در حال توسعه است، بسیاری از آثار موجود در صحنه جرم قابل بهره برداری است. یک تار مو، ته سیگار، اثر انگشت و لکه خون و انجام آزمایش‌های بر روی آن‌ها، مجرم را به سادگی به مأموران معرفی کرده و نحوه ارتکاب جرم را برملا می‌کند^{۸۶}. با توجه به این که مأموران پلیس زودتر از مقام قضایی به محل وقوع جرم وارد می‌شوند، رعایت کلیه نکات فنی و حرفه‌ای مربوط به حفظ صحنه جرم و جمع آوری آلات و ادوات جرم، کمک زیادی به مقام قضایی در جهت کشف جرم کرده و در نهایت حمایت پلیس از بزه دیده را افزایش می‌دهد^{۸۷}.

بدین ترتیب اهمیت نقش پلیس در حفظ صحنه جرم در جهت حمایت از بزه دیده و کاهش آسیب‌های ناشی از جرم به خوبی نمایان می‌شود. هدف اصلی از معاینه محل و صحنه جرم، تعیین دقیق زمان و مکان وقوع جرم و کشف دلایل مادی منقول و اثربرداری، عکسبرداری و یا فیلمبرداری دلایل مادی غیرمنقول به منظور تشخیص هویت مرتکب جرم است^{۸۸}. پلیس در جهت حمایت از بزه دیده، در حفظ صحنه جرم و معاینه محلی باید اقداماتی را انجام داده و نکاتی را رعایت کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. کمک به بزه دیدگان: مأموران پلیس باید بلافاصله پس از حضور در صحنه جرم کمک‌های مورد نیاز به قربانیان جرم را فراهم کرده و در صورت لزوم از اورژانس یا آشنشانی استمداد بطلبند؛
۲. بازدید صحنه جرم: مأموران باید در جهت گردش عقربه‌های ساعت صحنه جرم را کاملاً و دقیقاً مورد بازدید و معاینه قرار دهند؛

^{۸۴}. شاملو احمد، محمد حسین، (۱۳۸۳)، دادسرا و تحقیقات مقدماتی، چاپ اول، اصفهان، نشر دادیار. ص ۱۴۳

^{۸۵}. صابر، محمود، ۱۳۸۸، آیین دادرسی کیفری بی‌المللی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر. ص ۵۷

^{۸۶}. علی وردی نیا، اکبر ۱۳۸۴. امنیت عمومی و پلیس. مجموعه مقالات، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی. ص ۲۱۲

^{۸۷}. همان.

^{۸۸}. لواسو، ژرژ، استغانی، بولوک، برنار (۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری. ترجمه حسن دادبان. جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. ص ۷۴

۳. تهیه کروکی محل وقوع جرم: مأموران پلیس با در نظر گرفتن جهات اصلی، باید از وضعیت جسد، قرار گرفتن اسلحه، لوازم منزل، آثار خون و گلوله و موقعیت کلی محل، کروکی تهیه کرده و مقیاس آن را مشخص کنند. تا جایی که ممکن است باید از گنجاندن اشیایی که با وقوع جرم ارتباط ندارند، خودداری و فواصل مدارک جرم نیز مشخص شود؛
۴. عکسبرداری از صحنه جرم: عکسبرداری باید قبل از هرگونه تغییر و جابه جایی در صحنه جرم انجام شود و عکس‌ها باید به طریقی گرفته شود که بعد از ماه‌ها در صورت لزوم با مشاهده آن‌ها وضعیت صحنه جرم برای مقامات قضایی مشخص شود. معمولاً عکسبرداری از محل ورود به منزل شروع شده و در جهت گردش عقربه‌های ساعت در صحنه جرم انجام می‌شود و هر عکس باید بخشی از عکس قبلی را شامل شود تا امکان پیوند دادن آن‌ها عملی شود. برای عکسبرداری از جسد لازم است از جهات گوناگون عکس گرفته شود و فیلمبرداری نیز می‌تواند در این زمینه نتایج مثبتی داشته باشد؛
۵. یادداشت برداری: مسئول معاینه محلی باید دقیقاً همه موارد را یادداشت کرده و در گزارش خود قید کند؛ مثلاً این که چه ساعتی به محل رسیده، چه ساعتی مقام قضایی در محل حضور پیدا کرده، خاتمه معاینه محلی چه ساعتی بوده، ذکر کدهای استفاده شده بر روی هر یک از دلایل و مدارک جمع آوری شده، نحوه کشف هر یک از دلایل و مدارک جرم، وضعیت هوا (بارانی، برفی، ابری، آفتابی)، این که چه کسی یا چه کسانی در صحنه جرم حضور داشتند و... همگی باید در گزارش درج شوند؛
۶. استفاده از اهل خبره: مأموران در معاینه محلی می‌توانند با نظر مقام قضایی از اهل خبره و کارشناس مثل پلیس جنایی، پزشک و... استفاده کنند؛
۷. تنظیم صورت مجلس: در پایان معاینه محلی، لازم است کلیه اقدامات صورت مجلس شود. باید تمام مشخصات آثار و علائم مشهود و مکشوف که به نحوی در قضیه مؤثر است، در صورت جلسه قید شود. مندرجات صورت جلسه باید صریح و روشن و عاری از هر نوع ابهام و اجمال باشد؛ زیرا محتویات صورت مجلس است که وضع صحنه جرم را برای مقامات قضایی بازگو می‌کند و آنان را از نحوه ارتکاب جرم آگاه می‌سازد. بنابراین باید. به نحوی نوشته شود که جزئیات امر در آن انعکاس یابد.^{۸۹}

ضبط آلات و ادوات جرم

منظور از آلات و ادوات جرم صرفاً وسایلی از قبیل اسلحه، کارد و چاقو نیست. هر وسیله ای که مجرم را در جهت ارتکاب جرم کمک می‌کند و یا خود وسیله ارتکاب جرم باشد، آلات جرم محسوب می‌شود. بنابراین مأموران پلیس پس از ورود به صحنه جرم با توجه به نوع جرم، باید به دنبال آلات و ادوات آن بگردند و هر چیزی که آن‌ها را به سوی کشف جرم رهنمون می‌کند، ضبط کنند.^{۹۰}

مأموران پلیس به منظور رسیدگی بهتر و دقیق تر به جرم و حمایت از بزه دیده، لازم است در مورد ضبط آلات و ادوات جرم، نکات ذیل را مراعات کنند:

۱. آلات و ادوات جرم و هر چیزی که حین معاینه محل به دست می‌آید و ممکن است در کشف جرم کمک کند، ضروری است جمع آوری و ضبط و در صورت مجلس توصیف و قید شود؛ در این خصوص در ماده ۱۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری

^{۸۹}. سوانسون؛ چاملین، ثری، تحقیقات جنایی، مترجمان: مهدی نجابتی، رضا پرویزی و اصغر شفیعی نیک، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵، صص ۱۰۸

^{۹۰}. امین پور، محمد تقی، ۱۳۳۰، قانون کیفری همگانی و آراء دیوان کشور، تهران، شرکت سهامی چاپ. ص ۱۱۷

- مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر شده است: «ماده ۱۴۷ - آلات و ادوات جرم از قبیل حربه، اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه تقلبی و تمامی اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و می تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید توقیف شده و در صورت مجلس، هر یک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شود».
۲. دلایل و مدارک ارتکاب جرم باید تا آن جا که ممکن است بدون تماس با دست و با استفاده از وسایلی نظیر دستکش، پنس و امثال آن جمع آوری و حسب مورد در ظروف مناسب از قبیل لوله آزمایش، جعبه، پاکت، کیسه و امثال آن جای داده شود و برچسب‌هایی بر آن‌ها زده و تاریخ و مشخصات دقیق محل کشف بر آن‌ها قید شود. از جمله آثاری که به ویژه از دیدگاه جرم یابی مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از: آثار انگشت پنهان، آثار پا (به منظور تشخیص جهت حرکت پا)، اختلاف طول قدم، لکه‌های خون (به صورت مایع یا خشک)، محل لکه‌های خون، لکه‌های برخی مایعات بدن در جرائم جنسی، ته سیگار و تار مو^{۹۱}.
۳. آلات و ادوات جرم را باید شماره گذاری و مهور و حفظ کرد. که در این مورد نیز در ماده ۱۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان داشته: «ماده ۱۴۷ - آلات و ادوات جرم را باید شماره گذاری و مهور و حفظ نمود و آنچه را که قاضی تحصیل می‌کند باید با ذکر مشخصات به صاحبش رسید بدهد».
۴. از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم فقط آنچه راجع به جرم است تحقیق و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. باز پرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند. در ماده ۱۴۶ ق.آ.د.ک سال ۱۳۹۲ بیان داشته: از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود باز پرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند. و موجب افشای مضمون و محتوای غیر مرتبط آن‌ها با جرم نشود.
۵. آثار به دست آمده از محل وقوع یا کشف جرم نیاز به اظهار نظر علمی و فنی مورد نیاز دارد که این مهم باید با استفاده از آزمایشگاه‌های مجهز پلیس جنایی به عمل آید و متخصصان مربوطه نتیجه به دست آمده را برای مقام قضایی ارسال کنند؛
۶. تعداد کسانی که به دلایل و مدارک دسترسی می‌یابند، تا حد امکان باید محدود شوند؛
۷. قبل از اقدام به حفاظت مدارک، باید از خراب شدن و تغییر پیدا کردن آن‌ها مطمئن شد و جمع آوری مدارک فاسدشدنی در اولویت قرار گیرد؛
۸. در تحویل مدارک به مراجع مربوطه باید مشخصات مدرک و مشخصات تحویل گیرنده آن را ثبت و رسید اخذ کرد؛
۹. زمان و تاریخ انتقال مدرک در گزارش و رسید مربوطه ثبت شود^{۹۲}

اقدامات ناظر به تحقیق، بازجویی و جمع آوری ادله

این اقدامات شامل تحقیقات محلی، تفتیش منزل و اماکن و اشیاء، بازجویی مقدماتی و مراقبت از متهم و ادله و مدارک جرم است که به اختصار توضیح داده می‌شوند:

^{۹۱}. آشوری. منبع پیشین. ص ۱۲۲)

^{۹۲}. گراهام، جان، ۱۹۹۰، استراتژی پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه حمید هاشم بیگی، انتشارات پیشگیری و کنترل جرم هلسنیکی وابسته به سازمان ملل متحد. ص ۲۳۷

تحقیقات محلی

تحقیقات محلی عبارت است از استماع شهادت شهود و اظهارات مطلعان به منظور کشف جرم و روشن شدن حقیقت. هرگاه برای کشف جرم و روشن شدن موضوع و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم و سوابق زندگی او تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد و همچنین در مواردی که شاکی به اطلاعات اهل محل استناد کند، اقدام به تحقیقات محلی می‌شود. در ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده که: «ماده ۱۶۴ - هرگاه برای کشف جرم و روشن شدن موضوع و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم و سوابق زندگی او تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد و همچنین در مواردی متهم یا شاکی در خواست نمایند باز پرس اقدام آ به تحقیقات محلی می‌نماید».

در جرائم مشهود، پلیس حق دارد هر نوع تحقیقی را که کمک به کشف جرم و روشن شدن موضوع می‌کند، بدون نیاز به هماهنگی با مرجع قضایی انجام دهد، اما در جرائم غیرمشهود در صورت اعطای نمایندگی قضایی به پلیس، تحقیق محلی انجام می‌شود^{۹۳}.

تنظیم صورتجلسه از تحقیق محلی از قواعد آمره است و پلیس موظف به تنظیم آن است. به منظور حمایت از بزه دیده، پلیس باید با دقت کامل، اظهارات مطلعان و شهودی را که از سوی بزه دیده معرفی شده‌اند، صورتجلسه کرده و داخل در پرونده کند. برای محافظت بهتر از این اوراق و جدا نشدن از پرونده، لازم است اوراق پرونده از جمله اوراق صورتجلسه تحقیق از شهود و مطلعان شماره گذاری شوند. پلیس باید در تحقیقات خود برای پرسش‌های ذیل به دنبال پاسخ‌های مناسب باشد:

۱. چه کسی؟ (متهم چه کسی است؟ چه کسی اعلام جرم کرده؟...)
۲. چه چیزی؟ (چه چیزی اتفاق افتاده؟...)
۳. چگونه؟ (جرم چگونه و با چه ابزاری و چه شیوه‌های اتفاق افتاده؟ آیا مسلحانه بوده؟ جمعی یا تنهایی بوده؟...)
۴. چرا؟ (دلایل ارتکاب جرم چه بود؟ به چه انگیزه‌های بوده؟...)
۵. چه وقت؟ (چه وقت اتفاق افتاده؟ چه وقت گزارش شده؟ چه وقت پلیس مطلع شده؟ چه وقت پلیس حرکت کرده؟ چه وقت رسیده؟ مجرم چه وقت دیده شده؟...)
۶. کجا؟ (جرم کجا واقع شده؟ قربانی کجا یافت شده؟ پلیس کجا بوده؟ قربانی کجا بوده؟ شاهد کجا بوده؟...)
۷. چه مقدار؟ (صدمه جسمانی چه مقدار بوده؟ خسارات مالی چه مقدار بوده؟...)^{۹۴}

تفتیش منزل، اماکن و اشیا

بازرسی یا به اصطلاح قدیم تفتیش، عبارت از عمل تجسس و تفحص است که معمولاً در منزل شخص متهم به ارتکاب جرم به وسیله مقامات قضایی یا نواب آن‌ها به عمل می‌آید^{۹۵}.

از اختیارات ضابطان دادگستری در جرائم مشهود، ورود به منازل و اماکن مسکونی برای تفتیش و ضبط اشیا و به‌طور کلی هرگونه اقدامی است، که برای جمع‌آوری ادله جرم و حفظ آن مناسب می‌باشد. به عبارت دیگر در جرائم مشهود، ضابطان باید اقدامات و تحقیقاتی را که فوریت دارد، به عمل آورند و در این راستا و در صورت لزوم می‌توانند نسبت به ورود و تفتیش

^{۹۳}. عباس، زراعت (۱۳۸۶)، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات خط سوم، ذیل ماده مربوطه.

^{۹۴}. علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۸۵، حقوق جنایی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۱۶۶

^{۹۵}. انصاری منبع پیشین، ص ۳۱۸.

منزل، اماکن و اشخاص و نیز جلب اشخاص، حتی بدون اجازه مقام قضایی و به طور کلی نسبت به جمع‌آوری دلایل اقدام کنند و پس از حضور مقام قضایی، که موظف هستند در اسرع وقت وقوع جرم را به اطلاع او برسانند، تحقیقات انجام شده را تسلیم وی نمایند. با ورود مقام قضایی به صحنه جرم، ضابطان حق مداخله نداشته، مگر این‌که انجام تحقیقات تکمیلی یا مأموریت جدیدی به آنان محول گردد. که در این صورت نیز باید با رعایت دقیق مقررات قانونی اقدام کنند. اما در جرائم غیرمشهود، ضابطان دادگستری فقط با اجازه مخصوص مقام قضایی حق ورود به منازل اشخاص و تفتیش آن را در موارد ظن خواهند داشت. علاوه بر موارد فوق، در جرائم مشهود دادستان (در سازمان قضایی نیروهای مسلح) اختیار تصدی تحقیقات را پیش از حضور و مداخله بازپرس دارد، در حالی‌که در جرائم غیرمشهود دادستان حق پرداختن به تحقیق نداشته و مکلف است این وظیفه را به بازپرس بسپارد.^{۹۶}

در جرائم مشهود در صورت ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در منزل مورد نظر، پلیس می‌تواند نسبت به بازرسی و تفتیش آن اقدام کند، اما در مورد جرائم غیرمشهود نیاز به اخذ مجوز از مقام قضایی است. در ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر شده: «ماده ۴۶ - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به فوری به دادستان اطلاع می‌دهد، در صورتی که دادستان اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلف‌اند به باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را در تحت نگهدارند و چنانچه در جرائم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد ضابطان باید موضوع اتهام را با ذکر دلایل بلافاصله کتباً^{۹۷} به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند دادستان در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تکلیف می‌نماید. همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه‌موردی مقام قضایی باشد هرچند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.» تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد. در ماده ۱۳۷ قانون فوق‌الذکر بیان می‌دارد: «ماده ۱۳۷ - تفتیش و بازرسی منازل، اسناد، اماکن بسته و تعطیل در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب و آلات و ادله جرم، در آن محل وجود داشته باشد.» با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده انجام می‌شود. در جهت حمایت از حقوق بزه دیده، پلیس در تفتیش منازل، اماکن و اشیاء باید نکات ذیل را رعایت کند:

۱. شناسایی دقیق آدرس محل مورد نظر و راه‌های ورودی و خروجی و موقعیت خیابان‌های اطراف؛
۲. شناسایی افرادی که در محل، رفت و آمد دارند؛
۳. کنترل دقیق محل، قبل از شروع به بازرسی و محاصره آن تا شعاع اطمینان بخش؛
۴. پس از ورود به منزل و دستگیری متهمان، بلافاصله بازرسی بدنی از آنان به عمل آمده و جدا از هم نگهداری شوند؛
۵. بازرسی اتاق‌ها در جهت گردش عقربه‌های ساعت بوده و باید با حضور متهم در صورت امکان و از طبقه پایین شروع شده و به طبقات بالا ختم شود؛
۶. بازرسی منزل باید با حوصله انجام گیرد و تمام اشیاء و لوازم منزل دقیقاً بازرسی شوند؛

^{۹۶} اردبیلی، منبع پیشین. ص ۲۸۰.

۷. به هنگام بازرسی باید تغییر حالت و وضع ظاهری متهمان مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در کشف جرم مؤثر است و معمولاً وقتی بازرس به دلایل و مدارک جرم نزدیک می‌شود، حالت چهره و روحیه متهم دگرگون می‌شود و این تغییر حالت می‌تواند^{۹۷}.

بازجویی مقدماتی

بازجویی به معنی عام آن، سؤال و جواب و اخذ اطلاعات از همه افراد مرتبط با پرونده اعم از شاکی، متهم، شاهد، مطلع و کارشناس است. و در معنای خاص، سؤال و جواب و اخذ اطلاعات از متهم پرونده به منظور کشف حقیقت و تکمیل پرونده است.

منظور از بازجویی مقدماتی، بازجویی‌ای است که توسط پلیس و ضابطان دادگستری صورت می‌گیرد. به منظور حمایت از بزه دیده و کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، مأموران پلیس در انجام بازجویی‌ها، باید نکات ذیل را رعایت کنند:

۱. در انجام بازجویی بی طرفی را رعایت کرده و از هرگونه حب و بغض نسبت به طرفین دعوا پرهیز کنند؛
۲. در بازجویی صبور بوده و با پشتکار و اعتماد به نفس آن را انجام دهند؛
۳. به اصول و فنون بازجویی و روش‌های مختلف آن آشنایی کامل داشته باشند؛
۴. به هنگام بازجویی باید مراقب اوراق بازجویی و مدارک پرونده باشند، زیرا امکان دارد هر زمان متهم با قاپیدن برگ بازجویی یا برخی مدارک پرونده، آن‌ها را پاره کرده یا ببلعد؛
۵. اوراق بازجویی و پاسخ سؤال‌ها را به امضای متهم برسانند؛
۶. در صورت امتناع از پاسخ دادن به سؤالات یا امضای اوراق بازجویی، مراتب در صورت مجلس قید شود^{۹۸}.

مراقبت از متهم و ادله و مدارک جرم

یکی از مهم‌ترین اقدامات پلیس در حمایت از بزه دیده و کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، جلوگیری از فرار، مخفی شدن و یا تبانی متهم است که عمدتاً از طریق دستگیری و بازداشت او صورت می‌گیرد. در جرائم مشهود، پلیس حق دستگیری و بازداشت متهم را دارد، در ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان داشته: «ماده ۴۴- ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم دادستان اعلام می‌کنند و در خصوص جرائم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع دادستان می‌رسانند.» ولی در جرائم غیرمشهود باید با اجازه دادستان باشد، هرچند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف دادستان به پلیس ارجاع شده باشد. قانون نیروی انتظامی نیز دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفای آن‌ها را یکی از وظایف پلیس برمی‌شمارد^{۹۹}.

^{۹۷}. متین، احمد، ۱۳۸۱، مجموعه‌ی رویه‌ی قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات رهام، ص ۱۷۷

^{۹۸}. همان.

^{۹۹}. قسمت ح ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹.

هنگامی که متهم حاضر باشد، پلیس با برگ جلبی که مقام قضایی به او تحویل داده، متهم را دستگیر می‌کند، اما در مواقعی که متهم غایب باشد، اصطلاحاً برگ جلب سیار صادر می‌شود که معمولاً یک ماه اعتبار دارد. برگ جلب سیار در اختیار پلیس قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند دستگیر و تحویل مقام قضایی کنند.

البته در صورت ضرورت قاضی می‌تواند برگ جلب را در اختیار شاکی قرار دهد تا به معرفی او، پلیس متهم را جلب و تحویل مرجع قضایی کند. در این موارد لازم است در جهت حمایت از بزه دیده، هر وقت شاکی از حضور متهم در محل مطلع شده و به پلیس خبر داد، سریعاً اقدام لازم به منظور جلب و تحویل او به مرجع قضایی توسط پلیس صورت گیرد.

در جهت حمایت از بزه دیده، مهم‌ترین نکاتی که توسط پلیس در دستگیری متهم باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت‌اند از:

۱. آشنایی پلیس با اصول و فنون دستگیری و بازداشت؛
۲. اقدام سریع در جهت دستگیری متهم غایب، به هنگام اعلام حضور او در محل خاص توسط بزه دیده و شاکی؛
۳. شناخت دقیق هویت متهم یا متهمان قبل از اقدام به دستگیری؛
۴. کسب اطلاعات لازم در زمینه شناسایی محل اختفای متهم یا متهمان؛
۵. رعایت اصل غافلگیری، یعنی پلیس به هنگام دستگیری متهم به گونه‌ای عمل کند تا از درگیری، خودکشی، خودزنی، گروگانگیری افراد و از بین بردن آثار و دلایل مدارک جرم توسط متهم یا عوامل او جلوگیری شود؛
۶. رعایت اصل احتیاط، یعنی پلیس عمل دستگیری را نباید ساده فرض کند و لازم است تمام جوانب امر برای جلوگیری از فرار متهم را در نظر بگیرد؛
۷. رعایت اصل سرعت عمل، یعنی عملیات دستگیری باید با سرعتی اجرا شود که هرگونه عکس العمل برای فرار، حمله و امحای آثار و دلایل جرم را از متهمان سلب کند. عملیات باید با روحیه قوی، تهاجمی و تکنیکی و فنی انجام شود تا ابتکار عمل از متهمان گرفته شود.^{۱۰۰}

پس از دستگیری متهم نیز پلیس باید بر ملاقات‌های متهم کنترل و نظارت کافی به عمل آورد تا متهم فراری داده نشده و نیز آلات، ادله و مدارک جرم از بین نرود. همچنین به هنگام بدرقه متهم نیز، مأموران پلیس باید کاملاً مراقب باشند تا متهم موفق به فرار نشود.

بازداشت متهم

ضابطان دادگستری در جرائم غیرمشهود به محض اطلاع از وقوع جرم مکلف خواهند بود، موضوع را سریعاً به مقام ذیصلاح قضایی اطلاع داده و تا اخذ دستور منتظر بمانند، حال اگر مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت، می‌تواند جهت تکمیل تحقیقات دستورات لازم را صادر نماید و در این مورد ضابطین مکلف خواهند بود به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند. لکن در جرائم مشهود برای پرهیز از تطویل تحقیقات موظف‌اند، اقدامات لازم را برای حفظ آلات، ادوات، آثار و علائم و ادله وقوع جرم معمول داشته و نتیجه را پس از آن به اطلاع دادستان برسانند. (اردبیلی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۸۰) در واقع، چنان‌چه نگهداری متهم در جرائم مشهود به هدف تکمیل تحقیقات ضروری باشد،

^{۱۰۰} گل پرور، حسن، ۱۳۷۷، بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری و دادرسی کیفری در حقوق ایران و انگلستان، کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی،

ضابطان باید موضوع اتهام وادله آن را بلافاصله به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند. و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهد

اقدامات ناظر به تکمیل پرونده

این اقدامات شامل تکمیل کردن پرونده، تنظیم گزارش نهایی، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای تصمیمات قضایی است که به آن‌ها می‌پردازیم:

آخرین مرحله تحقیقات مقدماتی، تکمیل پرونده و تنظیم گزارش نهایی است. پس از این که جرم کشف شد و آثار و دلایل جرم جمع آوری شد و بعد از انجام بازجویی، معاینه محل، دستگیری متهم و تحقیقات محلی نوبت به تنظیم گزارش نهایی می‌رسد. گزارش نهایی خلاصه و چکیده کلیه اقدامات انجام شده در خصوص جرم است. علاوه بر آن، پلیس باید نسبت به حفظ و نگهداری آلات، ادله و مدارک جرم دقت لازم را به عمل آورد.

در تنظیم گزارش نهایی و ارسال آن به مقام قضایی، موارد ذیل باید مورد توجه پلیس قرار گیرد تا حمایت لازم از بزه دیده صورت گیرد:

۱. گزارش دقیق، جامع و مانع بوده و خلاصه همه اقدامات انجام شده در آن قید شود؛
۲. تعداد صفحات پرونده و پیوسته‌های آن در گزارش نهایی ذکر شود؛
۳. به درخواستهای بزه دیده یا بستگان او در جهت تکمیل هرچه بهتر و دقیق‌تر پرونده، مانند افزودن اسناد و مدارک یا ذکر توضیحات ارائه شده از سوی او توجه کافی شود تا حقوق نام برده به شکل صحیحی استیفا شود؛
۴. به هنگام ارسال پرونده و بدرقه متهم به مرجع قضایی، مراقبت‌های لازم در جهت حفظ پرونده و جلوگیری از فرار متهم صورت پذیرد؛
۵. پرونده به موقع به مرجع قضایی ارسال شود؛

۶. در قبال تحویل پرونده و نیز اشیاء و مدارک پیوست آن به مرجع قضایی، با ذکر مشخصات دقیق، رسید اخذ شود^{۱۱}.
به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و بالا بردن صحت و دقت تنظیم پرونده‌ها در کلانتری‌ها و حوزه‌های انتظامی از سوی رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۸۵/۸/۳۰ دستورالعملی تصویب و ابلاغ شده است که برخی از بندهای آن به شرح ذیل است:
در جهت کاهش اطاله دادرسی و تکریم ارباب رجوع و ممانعت از مراجعات غیرضرور آنان، حوزه‌های انتظامی موظفاند در تکمیل پرونده‌ها و اجرای دستورات مقام قضایی، نهایت دقت را به عمل آورند و در مواردی که ابهام وجود دارد، سریعاً موضوع را به مقام قضایی مربوطه اعلام کنند تا راهکاری عملی اندیشیده شود و از توقف بی مورد پرونده در کلانتری یا حوزه انتظامی خودداری شود؛

پرونده‌های مربوط به تصادفات رانندگی باید بدون فوت وقت و در حداقل زمان ممکن پس از اعلام نظر افسر کاردان فنی، با تنظیم کروکی لازم و اظهارنظر صریح و شفاف (شامل: علت تصادف و تعیین مقصر و گواهی پزشکی قانونی) تکمیل و به دادسرا ارسال شود و از ارسال پرونده‌های ناقص خودداری شود؛

^{۱۱}. همان.

در کلیه پرونده‌ها به ویژه پرونده‌های مهم از قبیل قتل، آدم ربایی و... ضمن تشریح موقوف، آلات جرم، مواد مکشوفه، مستندات و دلایل جرم را ضمیمه پرونده کنند و از نگهداری آلات جرم در حوزه‌های انتظامی به شدت پرهیز کنند؛ آمار دقیق پرونده‌های مختومه، در دست بررسی و ارسال، به صورت ماهانه تنظیم و به دادسرا ارسال شود؛ ارسال پرونده به دادسرا باید در ابتدای وقت اداری و با برنامه ریزی و به صورت منظم صورت پذیرد و از ارسال بدون ضابطه پرونده‌ها خودداری شود؛ گزارش نهایی باید به صورت کامل و مستند به دستورات قضایی باشد و فرم مربوط به چک لیست تحقیقات اولیه مراجع انتظامی (به شرح پیوست) با اهتمام و دقت کافی تکمیل شود و از ارسال پرونده، بدون تکمیل کردن فرم مزبور خودداری شود.^{۱۰۲}

نتیجه‌گیری

با توجه به سیری که در تاریخچه، فلسفه و علل پیدایش ضابطین دادگستری و همچنین نقش ضابطین دادگستری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری گذشت، چنین نتیجه می‌گیریم که ضابطین دادگستری را فقط قانون معین می‌کند و همچنین بایستی افراد دارای مهارت و آموزش دیده به عنوان ضابطین دادگستری انتخاب شوند. علت توجه قانون گذار به این موضوع، حساسیتی است که در تشکیل پرونده کیفری وجود دارد. در جامعه ای که قانون برای شخص مجرم در هر رتبه و مقامی، حسب شدت و ضعف جرم، مجازات مناسب مقرر می‌دارد، علاوه بر تنبیه مجرم، باعث ارباب دیگران نیز خواهد شد. ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که برعهده دارند با دادستان است. کلیه ضابطین دادگستری مکلفاند دستور مقامات قضائی را اجرا نمایند. متخلفین از طرف دادگاه تعقیب و به انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه از خدمت دولت محکوم خواهند شد و حکم دادگاه قطعی است.

حالت جرم مشهود به عنوان یک ویژگی مشترک، نه فقط در قوانین کشور ما، بلکه تقریباً در قوانین اکثر کشورها وجود دارد و آیین رسیدگی به آن تحت تأثیر مسأله لزوم فوریت مداخله و سرعت کار، بسیار ساده و از تشریفات رسمی قضایی فارغ است. آثار عملی ترتیب مذکور، محدود شدن و فنا شدن قسمتی از آزادی‌های فردی به سود منافع و مصالح عمومی و نظم اجتماعی و در نتیجه گسترش حدود قدرت دولت و نهادهای دولتی به ویژه کارکنان پلیس است.

جرم مشهود توسط اساتید و حقوقدانان به صورت‌های متفاوتی تعریف شده است و حتی برخی از مؤلفان صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفا و از ارائه هرگونه تعریفی اجتناب کرده‌اند. ساده‌ترین تعریفی که از جرم مشهود به عمل آمده، عبارت است از جرمی که در مرئی و منظر ضابطان دادگستری یا مردم ارتکاب یافته یا به منزله آن (در حکم آن) باشد. البته در مفهوم جرم مشهود، فقط وحدت نظر و اشتراکی که بین قوانین آیین دادرسی کشورهای مختلف وجود دارد این است که جرم در مرئی و منظر مأمور پلیس یا مردم واقع شود و در سایر مصادیق، طرز تفکرها متفاوت است. بنابراین جرم مشهود در سیستم‌های حقوقی مختلف، مفهوم واحد و مشترکی ندارد. در واقع، مفهوم جرم مشهود در حقوق کیفری ایران بسیار وسیع است. قانونگذار ایران با تعیین چند ضابطه و معیار از جمله نزدیک بودن زمان وقوع جرم، بزه ارتکابی را به وسیله ظنون معتبر و قوی، در حکم

^{۱۰۲}. همان.

مشهود دانسته است (تعلق آلات و ادوات مربوط به جرم یا تصرف اشیاء مربوط به جرم در زمان نزدیکی پس از وقوع آن). چنین وضعی در سیستم حقوقی «انگلساکسون» وجود نداشته و این مصادیق، جرم مشهود تلقی نمی‌شوند.

جرائم مشهود در قوانین شکلی ایران از منظر نحوه ارتکاب جرم و اوضاع و احوال محیطی حاکم بر شرایط وقوع جرم مورد توجه قرار گرفته و به خاطر شرایط خاص حاکم بر آن جرم، قانون تسهیلاتی را برای رسیدگی جامعه در آئین دادرسی پیش‌بینی کرده است؛ از سوی دیگر در قوانین ماهوی ایران از جمله قانون مجازات اسلامی ارتکاب برخی از انواع جرائم به خاطر تظاهر و هتک حرمت اجتماع جرم‌انگاری خاص شده و مجازات آن‌ها را تشدید نموده است؛ این در حالی است، که در منابع فقهی گرچه در بدایت امر به این دسته از جرائم که با عنوان ارتکاب متجاهرانه فسق شناخته می‌شوند. توجه شکلی صورت نگرفته است و همان سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی پی گرفته شده و عموماً شاهد نوعی تشدید مجازات هستیم. در رویکرد آئین دادرسی کیفری، «تسهیل» و «تسریع» در تشریفات دادرسی و نحوه رسیدگی به این دسته از جرائم مورد توجه قرار گرفته، حال آن‌که «توجه ماهوی به پاسخ‌های اجتماعی به جرم» خصیصه اساسی رویکرد فقهی است، که در قالب «پاسخ‌های اجتماعی شدید و سخت‌گیرانه» و «محرومیت از برخی حقوق اجتماعی» تجلی یافته است. اما وجه شبه ادبیات فقهی و حقوقی را می‌توان در اصل تأسیس نهاد «جرائم مشهود» به عنوان یک نهاد مستقل و ویژه دانست. به نحوی که هم از دیدگاه فقهی و حقوقی، جرائم مشهود به واسطه «ارتکاب علنی» آن‌ها به عنوان یک نهاد خاص با مختصات منحصر به فرد، تأسیس گردیده است.

با توجه به سیری که در تاریخچه، فلسفه و علل پیدایش ضابطین دادگستری و همچنین نقش ضابطین دادگستری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری گذشت، چنین نتیجه می‌گیریم که گرچه وقف مواد ۱۵ و ۱۷ قانون قبلی از ضابطان دادگستری به عنوان ضابطین دادگستری یاد شده که تحت نظر مقام قضایی یا رئیس حوزه قضایی عمل می‌نمودند، اما به موجب قانون جدید، ضابطان دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمل می‌نمایند. مهم‌تر اینکه احراز عنوان ضابط دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذارندن دوره‌های آموزشی وزیر نظر دادستان و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است، لذا تحقیقات و اقدامات صورت گرفته این کارت ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. بدین لحاظ باید گفت ضابطین دادگستری را فقط تعیین می‌کند. و ضرورتاً می‌بایست مهارت و مدرک لازم را کسب کرده باشند. علت توجه قانونگذار به این موضوع، تلاش در جهت تحقق دادرسی عادلانه و تلاش برای منطبق ساختن نظام دادرسی کیفری با اصول نظم دادرسی مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر در راستای اصل احترام به حقوق آزادی‌های اساسی بشر می‌باشد. ریاست و نظارت بر ضابطان از حیث و خلاقیت آن‌ها به عنوان ضابط بر عهده دادستان قرار دارد. وسایر مقامات قضایی حق نظارت را دارند نه ریاست، این امر موجب ایجاد سیستم یکپارچه مدیریتی و قضایی در فرایند آئین دادرسی کیفری می‌گردد. کلیه ضابطین دادگستری مکلف‌اند در اسرع وقت و مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند. نسبت به انجام دستور و تکمیل پرونده اقدام نمایند، در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولتی محسوب می‌شوند.

منابع فارسی

الف. کتب

۱. ابن منظور، محمدبن مكرم، (۱۴۰۵) ه.ق، لسان العرب، جلد ۱۲، قم، نشر ادب حوزه.
۲. احمدی، مصطفی، (۱۳۹۰)، آئین دادرسی کیفری تک جلدی، تهران، انتشارات سفیر.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
۴. اعتمادی خیابوی، علی؛ حکیمی نژاد، امرالله، (۱۳۸۸)، دادسرا در سامانه حقوقی کنونی با نگاهی کاربردی، چاپ اول، تهران، نشر عصر اندیشه.
۵. افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات فردوسی.
۶. امین پور، محمد تقی، (۱۳۳۰)، قانون کیفری همگانی و آراء دیوان کشور، تهران، شرکت سهامی چاپ.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۳۳۴)، المکاسب، تبریز: اطلاعات.
۸. انصاری، ولی الله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی - مطالعه تطبیقی، تهران: انتشارات سمت.
۹. انصاری، ولی الله (۱۳۸۴)، کشف علمی جرائم، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. ایرانی ارباطی، (۱۳۸۵)، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۱۱. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی (بی تا)، حاشیه المکاسب، مشهد: آستان قدس رضوی
۱۲. ایمان، عباس، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات آریان.
۱۳. آخوندی، محمود (۱۳۸۲)، آئین دادرسی کیفری کاربردی، جلد پنجم، تهران: نشر میزان.
۱۴. آشوری، محمد، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: چاپ نهم، انتشارات سمت.
۱۵. آشوری، محمد، (۱۳۷۶)، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۶. باستانی، برومند، (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهنامی.
۱۷. باهری، محمد (۱۳۸۲)، تقریرات حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام.
۱۸. بهرامی، محمد، (۱۳۹۰)، رسیدگی های کیفری، چاپ اول، تهران، نشر صدف.
۱۹. پروینی، حسین، (۱۳۹۰)، آئین دادرسی کیفری، تهران، چاپ اول، نشر سپیدار.
۲۰. جاویدنیا، جواد، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری در پرتو اندیشه ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
۲۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۲۳. جوانمرد، بهروز، (۱۳۸۹)، فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، تهران بهنامی.
۲۴. حسینی، سید محمد، (۱۳۸۳)، مجموعه نظریات حقوقی، تهران، انتشارات سمت.
۲۵. حکیمی نژاد، امرالله، علی اعتمادی خیابوی، (۱۳۸۶)، نهاد دادسرا در نظم حقوقی کنونی، تهران، سپهر ادب.